

پایگاههای داخلی توپخانه امپریالیسم امریکاییه انقلاب ایران را در هم شکنیم

باید هر چه زودتر به جنگ برادر کشی در کردستان پایان داد

متاسفانه زود خورد های کردستان، که با تحریک کومله آغاز شد، گسترش یافت. هدف این تحریکات همان درگیر کردن نهادهای انقلاب و مقامات اجرائی دولت در منطقه، گسترش دادن جنگ برادر کشی و ایجاد زمینه مناسب برای توسعه خرابکاریها و ضد انقلاب و گسترش مداخلات مستقیم و غیر مستقیم، نظامی و غیر نظامی از سوی امپریالیسم امریکاست.

متاسفانه برخی از نهادهای انقلاب هم که باید بدام تحریکات حساب شده و طریح ریزی گشته نیافتند و از دستورات دولت پیروی کنند، بدان وقعی ننهادند. بقیه در صفحه ۲

که حامل اسناد توپخانه بودند، توسط نیروی هوایی بمباران شدند و اسناد مهم از بین رفت. به گفته آیت الله خورشاهی، روز قبل از حمله، پادگان منظر به یعنی یکی از همان نقاطی که طبق برخی اسناد مکشوفه قرار بود آماج حملات متجاوزین آمریکائی باشد، از نیرو و سلاحهای تدافعی تخلیه شده بود است و بازگفته میشود که فرودگاههای اصلی نیز از توپهای ضد هوایی برای مقابله با تجاوز هوایی تخلیه شده بوده اند.

توپخانه سازمان یافته انفجار بمب در نقاط مختلف تهران، پس از شکست توپخانه تجاوز نظامی، بیانگر آن است که امپریالیسم آمریکا شبکه وسیعی از نیروهای توپخانه و خرابکار خود را بویژه در تهران سازمان داده است. شبکه ای که پیش از آماده بود در صورت تحقق طرح تجاوز نظامی، در پیوند با آن توپخانه وسیعی را علیه نیروهای مرفی و انقلابی و علیه رهبران انقلاب، به انجام برساند.

امپریالیسم آمریکا و کلیه متحدانش از امپریالیستهای اروپائی گرفته تا دولت های وابسته ضد مردمی چون مصر و عمان و پاکستان و عراق و عربستان و ترکیه و... با تمام قوا قصد انهدام انقلاب ایران و دستاورد های آنرا دارند. این حقیقتی است که خوشبختانه اکنون کسی در آن تردید ندارد و همگان، حتی عالیترین مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تاکید کرده اند.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۵
پخش ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ - تک شماره ۱۵ ریال

ضرورت اجرای قاطع و فوری قانون اصلاحات ارضی واقعی

آقای رضا اصفهانی، معاون وزیر کشاورزی، روز ۱۳ اردیبهشت اعلام کرد که تازه در روز ۲۶ فروردین قانون اصلاحات ارضی به تصویب نهائی شورای انقلاب رسیده. حال آنکه قانون اصلاحات ارضی مصوبه ۸ اسفند ۵۸ است، ولی تاکنون عملاً به مرحله اجرا گذاشته نشده است. در این فاصله دوماهه تاخیرها و تعللها، که همراه با حملات و تحریفها و کوششهایی بمنظور تغییر آن بود، باعث

فصلیهای مخرب گروههای توپخانه کردستان از نیروی بسیار فعال و وسیع امپریالیسم آمریکا برای ایجاد تشنج و جنگ برادر کشی و انحراف نیروها و افکار توده های مردم اندیشمن اصلی و تشکیف انرژی گرانهای انقلابی آنها خیر میدهد.

همچنین هجوم گسترده گروههای مشکوک به احزاب و گروههای سیاسی به بهانه وقایع دانشگاه، بیانکر سازمان یافتگی گروههای درنده سوارا که برای حمله علیه انقلاب است.

امپریالیستهای آمریکائی هنوز چندی از شکست توپخانه سراسری و همه جانبه تجاوز نظامی مزدوران آنان به انقلاب ایران نمی گذرند، که با وقاحت تمام برای انقلاب ایران خطونشان می کشند، مین مارا به تجدید عملیات خود تهدید می کنند و صریحاً اعلام می دارند که آرام ننشسته اند و اینکه در اولین فرصت تلاشهای خود را از سر خواهند گرفت. آنها ناوهای بیشتری بچنانب خلیج فارس روانه می سازند، از اطمینان خود به ستون پنجم خویش در ایران سخن می رانند و بسیار دیگر آماده حمله به انقلاب ایران میشوند.

حقایق امر که از پس توپخانه تجاوز نظامی آمریکا به ایران آشکار شد، سوالات زیادی را برانگیخت. معلوم نشد چرا ارتش ایران از حرکت هواپیما های آمریکائی آگاه نشده، چرا هلیکوپترهای آمریکائی

ضد انقلاب را از هجوم بازدارید!

جدی گرفتن خطر یعنی نجات انقلاب

در روزهایی که بر اثر تجاوز مسلحانه امپریالیسم امریکاییه خاکه سین مایش از هروقت اتحاد نیروها ضروری است، دستهای به بندر کارند تا چوتشنج بیافرینند، جدائیها را تشدید کنند و مانع از وحدت عمل در برابر توپخانه های امریکائی عالم خوار شوند، که استقلال و حاکمیت ما را باخشن ترین شیوه ها نشانده گرفته است.

روزی نمی گذرد که خورشید زمان، در گوشه ای از جهسان، بر تپه های امپریالیسم تشنه و سواقیهای تازهای را آشکار سازد.

گذشت روزگاری که استعمار نو و کهنه، دست در دست هم، طومار حکومت های مستقل و نوپای مسدوقها، سوکار توها و لومومها را به آسانی برمی چیدند و غلان مردم فروشی چون محمدرضاها، سوار توها و چومبها را بر جای آنان می نشاندند و با این همه سکه آزادی بر سینه می زدند. گذشت آن روزگاری که جهان آزاد به در پیچ قاره جهان زیر پرده های دود دیوار برلین، واقعات شوروی، «خطر سرخ»، دوسنیال امپریالیسم، «بهار پراگ»، «آبهای گرم»، از کوبا تا کنگو، از ایران تا شیلی، از کره تا ویتنام، با فراغ بسال آزادیهای سیاسی ملتها را بافته و شایمه و ترور و کودتا و بمباران در هم می کوفتند و با شاد «دموکراسی و حقوق بشر» محتومانه به همان جنایتهای می زدند که نازیها با رسوا می نمودند.

فرزندان ملت عظیم ما! مردمان پاک طبیعت جهان! باند دیکتاتوری، که بوسیله گلوله و آتش خود را بر خلق ما تحمیل کرده، با اعدام آیت الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی، آنهم چند روز پس از دستگیری شان، جنایت شنیعی مرتکب گردید که قلب و ضمیر جمیع پاکبیتانی را که به ارزشهای آزادی و دمکراسی و حقوق انسان ارج می گذارند، تکان داد.

این جنایت شنیع بدین جهت تشدید اعمال ترور و اختناق و بوقوع پیوست حکومت دیکتاتوری و ارگان های قلع و قمع آن بر ضد کلیه نیروهای ملی و مخالف باند حاکم پدای ملت زده اند.

از اوائل بهمن ماه گذشته حکومت دیکتاتوری رفقا دکتر صفاء الحافظ، حقوقدان برجسته و عضو جمعیت صلح جهانی و صاحب امتیاز مجله «الثقافة الجديدة» و دکتر صباح الدوره، اقتصاددان معروف و استاد دانشگاه، و صد ها نفر دیگر از مبارزان و مین - دوستان را دستگیر کرده و از ارائه هر گونه خبر و آتری از دو شخصیت نامبرده امتناع می ورزد، که موجب تکرانی جدی نسبت به حیات ایشانست.

حکومت دیکتاتوری از اوائل اسفند ماه گذشته، بدون هیچگونه محاکمه اصولی و به خلاف قوانین خود عراق و منشور حقوق بشر که حکومت عراق نیز آنرا ابضاء

چه کسی باور میکند که هدف تجاوز نظامی آمریکا به ایران نهبانجات گروگانها بوده است؟

مفسر سیاسی روزنامه پراودا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، زیر این عنوان، تفسیری درباره تجاوز نظامی نافر جام آمریکا به ایران منتشر ساخت در این تفسیر آمده است:

مسئله تدارک عملیات پیاده کردن تفنگداران در ایران، چگونگی طرح ریزی آن و نافر جامی این عملیات در مرکز توجه ساکنان گروگی و اکثریت مطبوعات جهان قرار داد.

در سالهای گروگی و مطبوعات خود آمریکا نیز مطالب مربوط به این ماجرا جوی بی بی ایزر موضوع دیگر جلب توجه میکند. این عملیات را گروه دلتا، به دستور مستقیم رئیس جمهور، کارتر، تدارک دیده بود و بمورد اجرا گذارد.

بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد

آقایان ساواکی های آزاد شده، کجا هستند و چه میکنند؟

انقلاب کردیم تا مثل انسان زندگی کنیم

کار گران و باز نشستی

باز هم حادثه منجر به فوت در حین کار

پیام جوانان و دانشجویان دمکرات آذربایجان

موضوع مفسده جویانه رهبری چین نسبت به تجاوز نظامی ناموفق امریکاییه ایران

سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، تجاوز نظامی نافر جام آمریکا علیه ایران را، اقدامی «انسانی» توصیف کردند

زمین، خواست اصلی دهقانان

روز ۱۱ اردیبهشت در شهر تهران، گروهک هایی که بقول سید میاوی جمهوری اسلامی ایران زیر شعار: «حزب فقط حزب الله» عمل میکنند، در چند نقطه شهر با داشتن اسلحه سرد، یعنی سگ و چوب و چماق و چاقو و قه، به دفاتر و میتینگ های سازمانهای چپ هجوم بردند و عده ای را بدمدم و مجروح کردند.

در شماره گذشته نامه «مردم» خوانندگان را در جریان گذاردیم که روز پنجشنبه هفت گذشته چنانچه در تکرار دائمی شعار «حزب فقط حزب الله» دوبار به دفتر نامه «مردم» یورش بردند، شعارها و پوسترها را از خیابان و در دیوار ربودند و پاره کردند، قصد دخول به دفتر نامه «مردم» را داشتند، که علیرغم بکار بردن برای يك حمله خونین و وحشتناک و خویشتن از جمله مقدمه سازی حقوق ملی عادلانه به شکل خود مختاری و در سایه یک نظام دمکراتیک برای جمیع خلق عراق مبارزه میکنند.

فرزندان خلق مبارز ما! حزب کمونیست عراق قروور آیت الله سید محمد باقر صدر، و دها و صد ها نفر را، که ظالمانه اعدام شده اند، بشدت محکوم می کند.

حزب کمونیست عراق اعمال ترور و اختناق و تبعیض را علیه توده های یک در راه الهی تبعیض مذهبی زشتی که نسبت به آنها اجرا میشود، و جهت سرکوتنی قدرت باند دیکتاتوری که تمام ارزشهای انسانی خلق را زیر پا گذاشته است، مبارزه میکنند، محکوم میکند.

حزب کمونیست عراق اخراج هزاران نفر از فرزندان خلق و مصادره اموال آنها و رفتار غیر انسانی را محکوم میکند.

حکومت دیکتاتوری باید بر سر خن و خاشاک اسلواک و عده ای از سران رژیم شاه مخلوع و تجویز گروه های خرابکار و متجاوز، اعمال تحریک خود را علیه انقلاب ایران ادامه میدهد، به هرزه های ایران دست به تجاوز زده، از شاپور بختیار دعوت میکند تا با او از طریق او با امپریالیستهای آمریکائی آریاب اوه، به امید بازگرداندن ایران به دایره نفوذ امپریالیسم به توپخانه چینی بپردازد.

باند حاکم برای توجیه اعمال وحشیانه خود علیه مخالفان در جنبش مذهبی مخالف دیکتاتوری در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۹۸۰ قانونی

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

آقایان ساوا کیهای آزاد شده، کجا هستند و چه میکنند؟

روزنامه کیهان در تاریخ ۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۹، اسامی ۲۴ نفر از آزادشدگان زندان اوین را منتشر کرد. در میان لیست آزادشدگان علاوه بر نام حسن ثنا معاون ثابتی، دو نام نصرالله صدارت و عبدالرحمان محمدیان دیده میشد.

در همین شماره روزنامه کیهان، اطلاعاتی شایع هفتم بازرسی دادسرای انقلاب، تحت عنوان «آغاز محاکمه ۵ مأمور ساواک پناهنده بود. ۲ تن از پنج نفری که نام، عکس و اتهامات آنها پناهنده بود از مردم خواسته شده بود شکایات خود را علیه آنها تسلیم دادسرای انقلاب کنند، همان دوفتوی مستند که در بالا از آنها نام برده شده و در لیست آزادشدگان دیده میشوند.

در اطلاعاتی شایع هفتم بازرسی دادسرای انقلاب اسلامی در ساواکی یاد شده باین شرح معرفی شده بودند:

«نصرالله صدارت فرزند فضل، رئیس ساواکیهای بوشهر، بازار تهران، خارک و معاون رئیس دفتر ساواک استان ساحلی و رئیس دفتر اداره کل بهداری ساواک، که بارها مورد تقدیر و تشویق هویدای معوم قرار گرفته است.»

«عبدالرحمان محمدیان، فرزند عبدالقنی، مدیرعامل شرکت ساختمانی وفتی «کامرن» در مناطق نفت خیز خوزستان و همکار ساواک منگله، که با داشتن کارت شناسایی ساواک، با این سازمان ضدمردمی در ارتباط بوده است.»

وقتی این خبر را در همراه خبر توطئه بزرگ آمریکا و عمالشان از جمله ساواکیها علیه انقلاب ایران، میگذاریم، بی اختیار این سؤال پیش می آید که آقایان ساواکیهای آزاد شده کجا هستند و چه میکنند؟

حمله ضد انقلاب به دفتر حزب توده ایران در نوشهر

دفتر حزب توده ایران در شهرستان نوشهر روز ۱۲ اردیبهشت مورد حمله ضد انقلاب قرار گرفت.

در این روز افراد ناشناسی، ضمن شکستن پنجرهها وارد دفتر حزب شدند و تمامی نشریات راهمیان خیابان آوردند و به آتش کشیدند.

تکته قابل توجه و عجیب این است که دفتر حزب توده ایران در این شهرستان درست در مقابل شهر باقی مانده و واقع است، ولی مأمورین شهر باقی هیچگونه مانعتی از حمله مهاجمین به عمل نیاوردند.

ما باریکتر ضمن محکوم کردن این اعمال ضد انقلابی، از مقامات مسئول می خواهیم که برای جلوگیری از این اعمال، افراد مذکور را شناسایی و دستگیر و مجازات کنند.

حمله عناصر ضد انقلاب به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در جیرفت

کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در جیرفت (کرمان) عصر روز یکشنبه ۷ اردیبهشت ماه مورد حمله ضد انقلاب قرار گرفت. در این تهاجم تمامی نشریات، کتب و نوارهای موجود توسط افراد ناشناس به آتش کشیده شد، که خسارت زیادی به بار آورد. به دنبال این حمله، هواداران حزب توده ایران در جیرفت به قوربت دست به تعمیر کیوسک زدند.

در روز ۱۰ اردیبهشت برای یاد دوم عناصر ضد انقلاب به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران حمله بردند. هواداران حزب توده ایران در جیرفت طی اعلامیه ای این اعمال ضد انقلابی را محکوم کردند و از مقامات ذیصلاح به ویژه دادستان، فرماندار و مسئولین سپاه پاسداران جیرفت خواستند تا از این اقدامات خرابکارانه جلوگیری کنند.

کاخ بیدار بزم کدم

خانم حزب کدم آرا

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن ویاساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلتی شرکت کنید.

کمک مالی خود را به نام رضا شلتوک، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است. (۲) کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

لیلا حیدری (محتوی فلکس)	۳۶۲ ریال
۱. ش. ۲	۳۰۰۰ ریال
۳. روزنامه کیهان	۱۰۰۰۰
۴. از خرمشهر	۳۰۰۰۰
۵. روزبه کوجولو	۱۱۰۰۰
۶. الف. ب. از شهر کرد	۲۵۰۰
۷. ج. ع. از شهر کرد	۲۵۰۰
۸. با یک از شهر کرد	۵۰۰۰
۹. سازمان حزب توده ایران در شهر کرد	۳۵۳۰۰
۱۰. پروین از قزوین	۳۹۴۰
۱۱. عزیز سید تادیان	۱۸۰۰

بقیه از صفحه ۱

این حقایق نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا نه تنها از امکان بازگرداندن انقلاب ایران به سهو و مود نظر خود، از طریق «مسالمت آمیز» مایوس شده و با تمام قوا درصدد خفه کردن این انقلاب با توسل به شیوه های عریان تهاجمی و تجاوز آشکار نظامی برآمده است، بلکه همچنین با اتکا به تدارکات وسیع و عوامل مهمی که در نقاط حساس متمرکز ساخته است، به امکان پیروزی در این راه نیز امیدوار است و این درست همان خطری است که باید آنرا شناخت، و با تمام نیرو آنرا مرتفع ساخت، در غیر این صورت انقلاب ایران با بزرگترین خطری که تا بحال با آن روبرو بوده است، مواجه میشود.

طبق شواهد و تجارب بدست آمده، مل دوردان پس از انقلاب، بویژه در حوادث اخیر، باید اذعان کرد که امپریالیسم آمریکا از همفکران و عوامل بسیاری در مقامات حساس ارتش و نیروهای انتظامی، در مقامات مسئول دولتی، در میان عناصر و گروههای چپ نامی توطئه گری بر خوردار است و علاوه بر آن سازمان توطئه گری عظیمی از فراریهای ساواکی درنده نیز به انجام طرحهای آن کمک میرساند. ایجاد تحریکات وسیع در دانشکاهها و در سطح شهرهای کشور، برانگیختن جنگ برادر کشی در کردستان، هجوم به مراکز احزاب و گروههای سیاسی در سراسر کشور، خود بیانگر این تیرری بزرگ،

جدی گرفتن خطر...

بقیه از صفحه ۱

اکنون در نظر بیاوریم که اگر این لانه جاسوسی تهران به همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ازم نه نشاید بود، چه «خدمت شایانی» می توانست در هفته پیش به شروان و راهزنان آمریکایی بکند، آدم ربائی، ترور شخصیتها، انهدام شهرها، و سرانجام رهبری کودتای ضد انقلاب.

گیریم صدها هزار ایرانی هم بپاک هلاک می افتاد، آمریکا و اقامتش را چه غم؟ مگر در گذشته، اندونزی، نیپول، ویتنام، کامبوج، بنگلادش، ژنیر، آنکولا، اتیوپی... کیخون ریخته است؟ دشمنان خون آخام خلفه های از این دستبردها و فتنه گریها و تجاوزات روی گردان بوده اند و در سراسر تاریخ تکتبار خود مگر به راهی جز این رفته اند؟ ولی در تاریخ پیش آنچه تا زگی دارد این است که ملت های مستعبد شده، از کوبا تا آنکولا، ایران و افغانستان، این چنینی و موزامبیک، کم راست میکنند و روی پای خود می ایستند، در حالی که امپریالیسم از خشم کف بر لب باریاری آن نیست که از زرادخانه بمبها و موشکهایش باری کرد. گویی از هیروشیما تا طابین، قرن ها

اعلامیه حزب کمونیست عراق...

بقیه از صفحه ۱

روز ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) پس از شکست این تهاجوز نظامی، رئیس جمهور کاتر در بیانیه باره به مجلس سنای آمریکا گزارش داد و تلاش کرد که جنبه نظامی و تجاوزی این عملیات را انگار کند و ادعا کرد که یگان هدف این عملیات نجات گروگانها بوده و اظهار داشت که تعداد شرکت کنندگان در این عملیات ۹۰ نفر بودند. در عین حال کاتر این عملیات را «انسان دوستانه» توصیف کرد.

کاتر ادعا کرد که این عملیات بهیچوجه علیه ایران و مردم ایران نبوده است. اما این ادعاهای کاتر برای حتی ساده لوح ترین انسانها قابل قبول نیست. از آقای کاتر باید پرسید که، تجهیزات و جنگ افزارها چگونه گروهنجات به آن مجوز بودند و با خود همراه داشتند، علیه کسی میبایست بکار برده میشد؟ طبق اخبار و گزارشها هیچیک پس از شکست این عملیات در مطبوعات آمریکا انتشار می یابد، طبق نظر کارشناسانی که ایس طرح را تهیه کرده بودند، عده کسانی که در این عملیات کشته خواهند شد، صدها نفر تخمین زده شده بود. و این در صورتیست که بنیوریم مأموریت گروهنجات گروگانها محدود بوده است.

نخست آنکه خود مسئله گروگانگیری در نتیجه اقدامات تحریک آمیز و توطئه های آمریکایی علیه ایران پدید آمده است. دولت کاتر به خواست برحق و عادلانه مردم ایران در مورد استرداد شاه مخلوع و نروتهای غارت شده از جانب وی، نه تنها پاسخ مثبت نداد، بلکه در مقام دفاع و پناهمدادن به شاه مخلوع برآمده، ذخایر ارزی ایران را در بانکهای آمریکایی و سایر کشورهای غربی مسدود کرد و برای جبران هزینه های واحدهای نیروی دریایی و هوایی خود، که برای محاصره و تجاوز علیه ایران در منطقه خلیج فارس استقرار یافته اند، به سپرده های دلاری ایران دستبرد زد.

دردانی برای همه کس و از جمله آقای کاتر کاملاً روشن بود که در صورت اجرای عملیات نجات، قبل از همه گروگانها کشته

باید هر چه زودتر...

بقیه از صفحه ۱

درگیر شدند و به زود خود ادامه دادند. بالنتیجه، کاتر شزدود خود در سخنرانی سبب کشته شدن دهها، زخمی شدن صدها و گریخته است، که اغلب آنها هیچ بی خانمان گردیدن از ایران نفر کرده است، که اغلب آنها هیچ ارتباطی با این گونه درگیریهما نداشته و ندارند. و این خود یکی از مقاصد تحریک کنندگان است، که با گسترش درگیری سبب ایجاد و توسعه ناراضی و تشنج بین توده های مردم، از جمله برادران کرد گردند.

با عظمت و جاوید باد شهید سید محمد باقر صدر و سایر شهدای خلق مبارز عراق ما! خون شهیدان هرگز به هدر نخواهد رفت! خلق ما بدون شک بر باند قاتل و خون ریز پیروز خواهد شد! کوششهای خود را برای نزدیک کردن روز نجات متحد کنیم

حزب کمونیست عراق

پایگاههای داخلی توطئه...

خطرناک و مخرب است. چه باید کرد؟ برای مقابله با این خطر عظیم باید پایگاههای امپریالیسم در ایران را به کلی نابود ساخت، در غیر این صورت امپریالیسم با استفاده از این پایگاهها، انقلاب ایران را به نابودی خواهد کشاند.

توطئه خطرناک اخیر امپریالیسم بیشک تنها نخستین حلقه از حلقه های توطئه است. و همانگونه که تجربه حتی تیره کشور خود ما نشان داده است، امپریالیسم آتقدر به تهاجمات خود ادامه خواهد داد تا بایا به موفقیت دست یابد و بایکلی توسط انقلاب ما درهم شکسته شود.

برسی تجارب تلخ شکست جنبش ملی ایران در زمان دکتر مصدق نشان میدهد که مادیکی با راهجوی مشترک کلیه نیروهای امپریالیستی روبرو هستیم. خوشبختانه اکنون این واقعیت نزد بسیاری از مقامات مسئول انقلاب ما مشاهده میشود که میکوشند تجربه تلخ دولت ملی دکتر مصدق در مورد انقلاب ما تکرار نشود. برای مقابله با این توطئه عظیم و خطرناک باید در درجه نخست نیروهای انتظامی، ارتش، ژاندارمری، شهر باقی، سپاه پاسداران و کمیته ها را از عوامل و عناصر مشترک و توطئه گری قاطعاً تصفیه کرد و عناصر و نیروهای کلاما وفادار به انقلاب را در نقاط رهبری آن

فصله افتاده است. و این افتخار چه شکست ناپذیری است که به همت کار و دانش و شرف و همبستگی زحمتکشان سراسری پییده آمده است، پهلو ان روئین تری که رستم وار در برابر جولان دیو آسای امپریالیسم سینه سپر کرده است. با این همه نباید از یاد برد که امپریالیسم همچنان خونخوار و بی خطرناک است و توطئه ها در آستین دارد، نباید از یاد برد که تیرری می انقلاب بخودی خود از قبل تضمین شده نیست، بلکه در گرو هشیاری و همراهی و همبستگی انقلابیهای همان سرزمین است.

شمار انقلابهای درهم شکسته جهان شاید از انقلابهای پیروز کم نباشد و چه بنا بر پیروزیها که پس از سالها به شکست انجامیده است. مگر آمریکا خلق پیروز شیلی را پس از سه سال درهم شکست؟ دوران حکومت مصدق هم از آنکند کوتاخر نبود. تازه آمریکا در آن زمان به یاری خاندان خائن پهلوی به هجوم هوایی هم نیازی پیدا نکرد.

بیجاست از تذکر پیچ سال پیش رفیق بر ژنرل یاد کنیم که گفته است، «امپریالیسم با شرایط می سازد، نقاب عوض می کند، و با چنگ و دندان از امتیازهای خود دفاع می کند، به امید آن که با وسایل گوناگون فشار و جبر اقتصادی، سرمایه داری وابسته و بزرگسالکی

چه کسی باور میکند...

بقیه از صفحه ۱

خبرداریکه در این روزها در مطبوعات آمریکا انتشار می یابد، امید این واقعیت است که هدف این عملیات نجات گروگانها نبودن آیت الله خلتالی، که مأموریت رسیدگی به جریان تجاوز مسلحانه ناز را بهیچ وجه نداشت، پس از رسیدگی، با اطمینان اظهار داشت که این عملیات، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بوده است نه نجات گروگانها.

معلوم میشود که علاوه بر ۹۰ نفر آدمکش حرفه ای، دلتا، که به لباس پاسداران انقلاب جمهوری اسلامی ایران بودند، چندین هزار نفر دیگر از عمال ساواک و دیگر عناصر انقلابی، که پس از سرنگونی رژیم شاه مخلوع به آمریکا و کشورهای متفق آن فرار کرده بودند و در این مدت برای عملیات ترور و خرابکاری تحت نظر مریدان امپریالیسم و اسرائیلی تعلیم دیده سپس به ایران اعزام شده اند، میبایست در این برنامه شرکت کنند. علاوه بر این، تعداد زیادی از مأموران سیای آمریکا، که بر شرایط ایران آشنایی دارند، از قبل به ایران آمده بودند که در عملیات گروهنجات دلتا واد عمل شوند.

بدین ترتیب کاملاً روشن است که مأموریت گروهنجات وسیع تر و عمیق تر از نجات گروگانها بوده و مأموریت اصلی آن ایجاد شورش و آشوب و در نهایت سرنگونی رژیم انقلابی ایران و دستیاری ستون پنجم که در انتظار آغاز چنین عملیاتی است، بوده است.

اما از این شکست تجاوز نظامی، که مورد نکوهش جهانیان قرار گرفته، دولت آمریکا پند نمی گیرد، کاتر سفید از خود دست برداشته و این موضوع را پنهان نمی کند. کاتر سفید اعلام می کند که فالیهایی خود را برای «نجات گروگانها» و اقدامات تجاوزی علیه ایران، ادامه خواهد داد.

بدین مناسبت هشدار آیت الله خمینی، رهبر انقلاب ایران که مردم را فرامیخواند تا تمام مساعی خود را برای دفع تهاجمات دشمنان جمهوری اسلامی ایران بکار برند، کاملاً بموقع رسیده است.

در شرایط کنونی کاملاً روشن است که هر گونه تفرقه و نفاق، چه رسد به چنگ و برادر کشی، فقط به نفع امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و انقلاب ایران است. نظام مولود انقلاب در ایران خاری در چشم امپریالیسم آمریکا و سد در راه اجرای نقشه های خائنانه برانداز آنست، از اینرو نیز امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا، امکناد و مسائل گوناگون خود را علیه انقلاب ایران و نظام زائیده آن بسج کسره و میکند. در چنین

قرارداد، بیاد بیاوریم که در شهریور ماه سال ۱۳۳۱ از افشای توطئه کوتا در دودون ارتش، تنها بر تمل دولت دکتر مصدق در تصفیه قاطع این ارتکار بود که امپریالیسم امکان یافت توطئه های خود را بدهد و سرانجام در ۲۸ مرداد آنرا تحقق بخشد.

دوم، باید، کلیه نیروهای خلق را در مقاومت خلق، ارتش بیست میلیونی تربیت، تیم سازماندهی کرد.

سوم، درهم شکستن مقاومت سرمایه داران و غارتگر در تعطیل چرخ تولید و سروسامان دادن اقتصاد کشور و تنظیم قراردادهای برای حقوقی و با دوستان انقلاب ایران، بمظهور خشتی کردن اثر محاصره اقتصادی ایران توسط امپریالیسم آمریکا متحدانش.

آخرین ولی نه کم اهمیت ترین اقدام، حمایت توده های میلیونی زحمتکشان به انقلاب و اتحاد و همبستگی خلقها در مبارزه علیه امپریالیسم از طریق حل فوری مسأله ارضی، تأمین حقوق حقا کرد و دیگر خلقهای ستمکش ایران از طریق بر شناختن این حقوق و اقدامات جدی و فوری برای وضع زندگی زحمتکشان است.

تنها با انجام قاطع و سریع این تدابیر، توطئه جهانی امپریالیسم را علیه انقلاب ایران، شکست

روزها را به شب آوردن، تشنج و ناراضی آفریدن، به تفرقه و چندقدر میدان دادن، پاکسازی راست گریک اقتصاد و سیاست خسارچی را به سر نوشت رها کردن، پیشرفت را به آینده وا گذاشتن، خواسته های خلقها را خوار شمردن... همه در حکم مار در آستین پروردانند و دعوتنامه برای راهزنان آمریکایی که ما تازه شاهد یکی از هتروتهای بوده ایم. این دشمن مکار و فساد رچ و تجاوز کار و پولدار را نباید حقیر شمرد.

تهاکسانی خطر را جدی نپند که انقلاب ایران را جدی نکرد اکنون سستی در برابر شدت تفرقه افکنی در صفوف انقلاب، آگاهانه یا ناشیانه است و اگر ناآگاهانه باشد همسنگ خیانت.

آری، از انقلاب دفاع کنیم، نیرو و در عمل و در هر صحنه از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم. همواره برتر صد و هشدار باشیم، و گرنه تیر بزرگ با توطئه های پیاپی در کمر ما خود باید کاری کنیم که آمریکا غلطی نتواند بکند. حالا دیگر هست که بپوزد اثر را بپاک بمانیم. پس ما در گرو هشیاری، همواره همبستگی همه ماست.

میشدند، اخباریکه در این روزها در مطبوعات آمریکا انتشار می یابد، امید این واقعیت است که هدف این عملیات نجات گروگانها نبودن آیت الله خلتالی، که مأموریت رسیدگی به جریان تجاوز مسلحانه ناز را بهیچ وجه نداشت، پس از رسیدگی، با اطمینان اظهار داشت که این عملیات، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بوده است نه نجات گروگانها.

معلوم میشود که علاوه بر ۹۰ نفر آدمکش حرفه ای، دلتا، که به لباس پاسداران انقلاب جمهوری اسلامی ایران بودند، چندین هزار نفر دیگر از عمال ساواک و دیگر عناصر انقلابی، که پس از سرنگونی رژیم شاه مخلوع به آمریکا و کشورهای متفق آن فرار کرده بودند و در این مدت برای عملیات ترور و خرابکاری تحت نظر مریدان امپریالیسم و اسرائیلی تعلیم دیده سپس به ایران اعزام شده اند، میبایست در این برنامه شرکت کنند. علاوه بر این، تعداد زیادی از مأموران سیای آمریکا، که بر شرایط ایران آشنایی دارند، از قبل به ایران آمده بودند که در عملیات گروهنجات دلتا واد عمل شوند.

بدین ترتیب کاملاً روشن است که مأموریت گروهنجات وسیع تر و عمیق تر از نجات گروگانها بوده و مأموریت اصلی آن ایجاد شورش و آشوب و در نهایت سرنگونی رژیم انقلابی ایران و دستیاری ستون پنجم که در انتظار آغاز چنین عملیاتی است، بوده است.

اما از این شکست تجاوز نظامی، که مورد نکوهش جهانیان قرار گرفته، دولت آمریکا پند نمی گیرد، کاتر سفید از خود دست برداشته و این موضوع را پنهان نمی کند. کاتر سفید اعلام می کند که فالیهایی خود را برای «نجات گروگانها» و اقدامات تجاوزی علیه ایران، ادامه خواهد داد.

بدین مناسبت هشدار آیت الله خمینی، رهبر انقلاب ایران که مردم را فرامیخواند تا تمام مساعی خود را برای دفع تهاجمات دشمنان جمهوری اسلامی ایران بکار برند، کاملاً بموقع رسیده است.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزار

رفیق سابر نامه شما محترم ۴۵۵۰ ریال و قطعه شمرتان

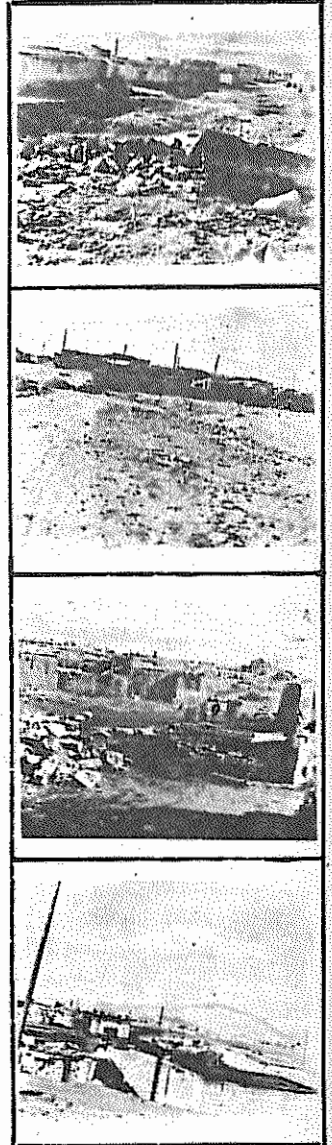
تصحیح

در نامه «مردم» شماره ۲۲۲ صفحه اول مطلبی تحت عنوان «چنگ برادر کشی در دستند» درج شده بود که در آن آمده بود، رونقا فیض بخش و رشیدی، بخش، توسط ارتش دستگیر شد، لازم به تذکر است که تنها فیض بخش و خواهرش توسط دستگیر شده اند.

مجلات فقر

دیدار از محله «دباغ غربی» شیراز:

انقلاب کردیم تامل انسان زندگی کنیم



بسیه میگوید و با فغان میگوید: «خدا یا این چه زندگی است، سنگ هم اینطور زندگی نمیکند. بفریاد ما برسید، به فریاد ما برسید!»

پیداست که ورود هر تازهواردی به این محل، برای اهالی نویدبخش ایجاد دگرگونی در زندگی آنان است. به راه خود ادامه میدهم.

آلونگ با سقهای حلبی و نایلونی و پا دیوارهایی از حلبهای پر شده از خاک و گاه دیوارهایی از بلوکهای سیمانی دردم فرو رفته‌اند. از داخل کوچه، درون بسیاری از آلونگ‌ها را میتوان براحتی دید.

اهالی محل، گروهی از تفتابها - دکابازها یا دیبته‌ها و خانواددهای روستایی و ایلی مهاجر و عشایر ترک و عرب و لر هستند، که از سالهای پید از ۴۶، به علت خشکسالی و فقر راهی شیراز شده و در این محل ساکن شده‌اند. رژیم ضد خلقی پیشین بارها خواست که آنان را از این زمینها بیرون اندازد، اما هر بار با مقاومت اهالی محل روبرو شد و عقب نشست.

هیچ چیز نداریم

وارد یکی از آلونکهای میشوم، که با چند بیت حلبی از خانه‌های کناری جدا شده و درون خانه دیگری را برآحتی می‌توان دید. تنها اتاق این آلونک محلی است که کف آن را با تکه‌های مقوای پاره‌پاره و عکس‌های چسبیده بر دیوار، یک چراغ خوراک‌پزی، چند ظرف و چند پتوی کهنه و سوراخ شده، تنها وسایل و اشیاء موجود در این «خانه» هستند.

خاتون، زنی ۵۰ ساله، که موهای سفید و چینهای فراوان بر صورتش، جلوه فقر و محنت و یادگار ستم جلاخان پهلوی است، با ما به صحبت می‌پردازد:

«از ایل خمه هفتم و ۱۰ سال است که اینجا زندگی می‌کنم. دو دختر دارم. یک پسر هم داشتم که سه سال پیش تب کرد و مرد. (بعضی گلویش را می‌فشارد) از بزدگتری و بزدوانی مرد. اینجا ما هیچ نداریم. تا سال پیش خانه ما هم مثل آن خانه‌های دیگر حلبی بود. یک آقایی پیدا شد و ثواب کرد و داد با «تاپویی» (اشاره به بلوکهای سیمانی) کند) این دوتا دیوار و اتاق را برایمان ساختند. ولی باران که می‌آید، آب کوچه وارد حیاط و اتاقمان میشود. همین دیشب باران آمد و سقف چکه کرد. ما هم که مرد نداریم که برایمان سقف را درست کند. مجبوریم روی این مقوله‌های خیس زندگی کنیم.»

درباره وضع آب محل از او می‌پرسم.

می خواهیم به دهات برگردیم

با حسن آلف ۳۵ ساله که مشغول تعمیر سقف حلبی خانه‌اش است صحبت میکنیم. میگوید:

«... قبلا چهارصد خانوار اینجا زندگی میکردند. بعد از انقلاب عده‌ای که وضعشان بهتر بود از این محل به دباغ شرقی رفتند و آنجا خانه خریدند و آلونکهای اینجا را با ۱۵-۱۰ هزار تومان پول معاوضه کردند. زمین اینجا وقتی است و به ما گفته‌اند که باید از اینجا برویم. البته استنادی بنا قول داده که به ما زمین و مصالح ساختمانی بدهد. تا خودمان خانه بسازیم، ولی ما گفته‌ایم که تا زمانی که این وعده عملی نشده، اینجا می‌مانیم. این آلونکهای فعلی ما ببرد زندگی حیوانی می‌خورد. زمستانها یخ می‌کند و تابستانها داغ‌داغ است. دیشب باران آمد و از لای آهن پاره‌ها تا صبح روی ما آب ریخت. مجبور شدیم تا صبح گوشه دیوارها کز کنیم. صبح به ۵ ساله‌ها تب کرده، حالا با این بربولی و بزدوانی با اون چه کنیم، نمیدانم. الان دارم سقف را نایلون میکشیم، تا کمی از ریزش باران جلوگیری کند. الان همه لایس و پتوهایمان خیس شده و باید زیر آفتاب خشکشان کنیم.»

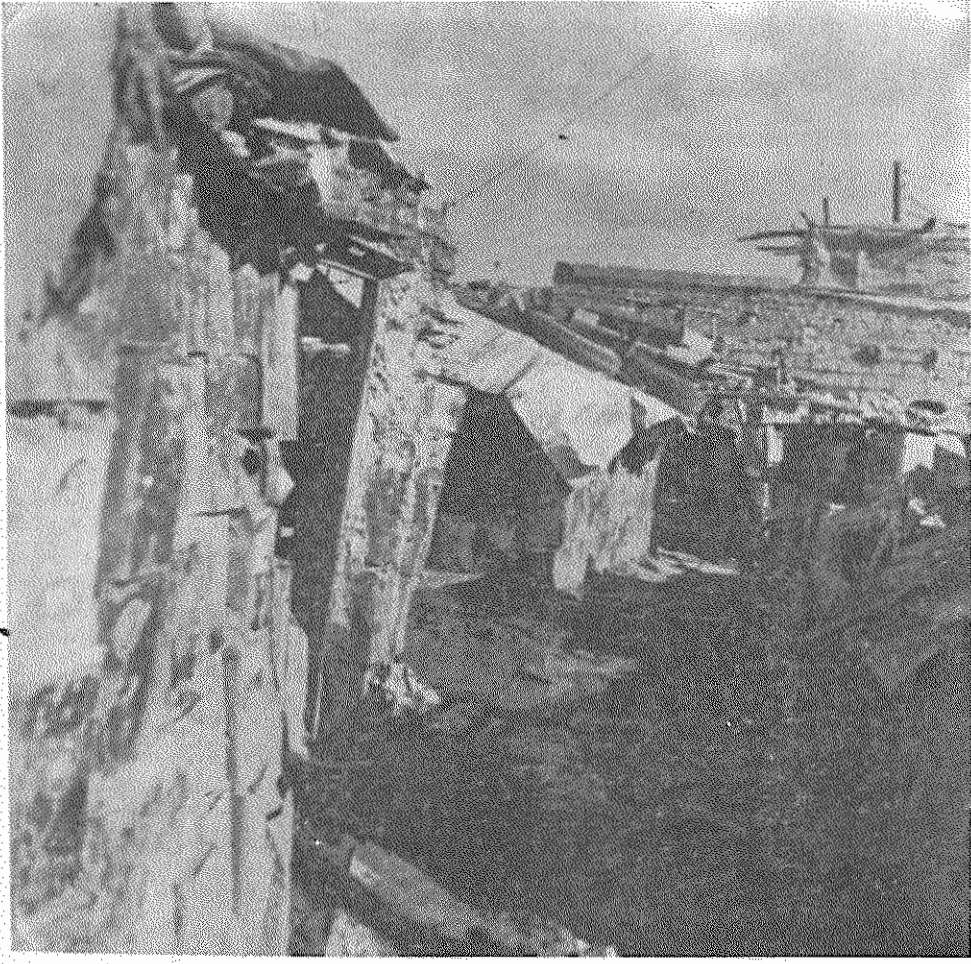
باز کارش می‌پرسم. میگوید:

«کارگر ساختمانی هستم. اینجا خیلی‌ها این شغل را دارند. هر روزی که هوا خوب باشد، کارگر می‌آورم و روزهای بارانی و برفی را باید خانه نشین بشم. سابقه توی دهان گوسفند داشتم، ولی خشکسالی شد و گوسفندها مردند و به ما وعده داده‌اند تا به وضعمان رسیدگی کنند. باور کنید با این گرانی کمرشکن و یککاری‌های فعلی ما به زحمت شکرمان را سیر می‌کنیم.»

از وضع تحصیل و مدرسه در محل از او سؤال میکنیم. میگوید:

«مدرسه محل در اطراف قبرستان، در دباغ شرقی است. اینجا فقط یک چادر بزرگ هست که معلم عشایری بچه‌های کوچک را درس میدهد. ولی روزهای سرد و بارانی اینکار سخت است. تا زنگی هم عده‌ای جوان، اینجا درمحل، یک کتابخانه کوچک ساخته‌اند.»

با زینب - ۱۴ ساله - که سطل بزرگ آب در دست دارد و به زحمت از میان کل



نام اینجا «خانه» است. باور می‌کنید؟

نان خریدن هم برای اهالی محل مشکل بزرگی است محله هیچ چیز ندارد، غیر از فقر و محرومیت...



شیراز کوخ نشینان!

ولای کوچه میگذرد، گفتگو میکنیم. او میگوید:

«اینجا آوردن آب بصدقه ما دخترها و کوچه گلی است، اینکار خیلی سخت است. اغلب ما دخترها به مدرسه نمیرویم خارج میشوند. اینجا فقط یکی دو هفته کوچک دارد که لویا و یاز و سیب زمینی و هیز، بخصوص در زمستانها برای ما کار سختی است و باید اینها را از بیرون تهیه کنیم. گاهی وقتها آدمهایی پیدا میشوند که به ما کمک کنند، ولی همیشه نیست و ماباید خودمان گلیم خودمان را از آب بکشیم.»

از زینب خدا حافظی میکنیم و به طرف عده‌ای کودک و نوجوان که روی گورها و داخل آشغالها مشغول بازی هستند، میرویم.

مراد - هفت ساله - درحالیکه با سوراخ بزرگ زاکتش بازی میکند، میگوید:

«اینجا ما هیچی برای بازی نداریم. روزها صبح تا غروب روی قبرها و آشغالها بازی میکنیم. بعضی وقتها استخوانهای مرده‌ها را پیدا میکنیم و گاهی هم از داخل

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند.

کارگران و بازنشستگی

اخیراً اعلام شده که پیش نویس قانون صندوق بیمه های اجتماعی تصویب شورای انقلاب گذشته است. در متن این پیش نویس، از جمله لایحه قانونی بازنشستگی پیش از موعد مشمولین قانون تأمین اجتماعی منظور شده است. بر این ضوابط تعیین شده، بیمه شدگان مشروط داشتن سابقه سی سال حق بیمه، با هر سن می توانند بازنشسته شوند. از طرف دیگر بیمه شدگان که بیش از پنج سال و کمتر از ده سال سابقه پرداخت حق بیمه مقرر دارند، با حداقل سن برای مردان ۶۰ و زنان ۵۵ سال، می توانند درخواست بازنشستگی کنند. مشروط بر این که ماهه التفاوت حق بیمه تا ده سال تمام را به مأخذ متوسط حقوق یا مزد خود با نرخ ۱۳ درصد یکجا به سازمان تأمین اجتماعی بپردازند. البته در ادامه این ماده، این شرایط تا حدودی با اصطلاح تعدیل شده و برای بیمه شدگان که امکان پرداخت یکجا ندارند، اقساط ماهانه در نظر گرفته شده است، که از مستمری آن ها کسر خواهد شد.

کارگران بارها به شیوه های گوناگون و از طریق طرح مشکلات خویش با مقامات جمهوری اسلامی ایران تمایل خویش را به بازنشسته شدن، مشروط تأمین واقعی، بیان داشته اند. اما قدر مسلم اینست که بازنشسته شدن با قوانین فعلی معنای دریافت مستمری ناچیزی است که جوایز کوچکی هزینه زندگی آنان نیست. درست همین علت هم اکنون در بسیاری از واحدهای تولیدی کارگران با کمبود بازنشستگی روبرو هستند. هر جا شایعه بازنشسته شدن کارگران و کارکنان مطرح می شود، تکرانی ها آغاز می شود. کارگران بدترستی بر شرط دریافت حقوق کامل خود یعنی آخرین دستمزد با اضافه مزایا در دوران بازنشستگی به پناه عمل موثری انگشت می گذارند، که آنان را بر آن می داند تا با آسودگی خاطر جای خود را به دیگران بپسندند و بدین وسیله محل اشتغال بیشتری نیز برای جوانان بیکار فراهم آورند. اما در شرایط کنونی، کارگران زحمتکش با وجود شدت رنج ها و مرادتها ناچارند در سن پیری و از کار افتادگی نیز شب و روز همچون سالهای جوانی خویش با تحمل تلخکامی های مضاعف بکار بپردازند و هرگز تمایلی به بازنشستگی نشان ندهند. برای حل این مشکلات چه می توان کرد.

در قانون پیش گفته، از امکان بازنشستگی بیمه شدگان سخن به میان آمده است که کمتر از ده سال سابقه پرداخت حق بیمه دارند، مشروط بر پرداخت ماهه التفاوت حق بیمه تا ده سال با نرخ ۱۳ درصد. راستی اگر کارگری بتواند چنین مبلغی را بپردازد (و چند درصد قادر به پرداخت هستند) آیا نیازی به دریافت مستمری بازنشستگی دارد و آیا اساساً صندوق تأمین اجتماعی بودجه خود را از کجا تأمین کرده و می کند؟ مگر نه از حق بیمه کارگران؟ اگر چنین است، چگونه برای پرداخت آنچه که به حال جزئی از نیت المال کارگران است، دریافت پولی با نرخ کلان ۱۳ درصد مطرح می شود؟

در حال تصویب یک چنین ماده ای، که در پیج و خم ضرب ها و شرایط فلج کننده، از نو بند بردست های طالبین بازنشستگی می نهد، خود موید بی توجهی به شرایط زندگی و بویژه امکانات مادی و معنوی آنان است.

کارگران، خوابتار آند که اولاً سن بازنشستگی برای مردان ۵۵ و برای زنان ۵۰ سال باشد و در آن شاخه های تولید که مستلزم کار شوار و فرساینده است. سنوات کار و سن بازنشستگی کاهش یابد. ثانیاً میزان مستمری بازنشستگی، بهیچ وجه کاهش ندهد. درآمد کارگران و در نتیجه فلج شدن زندگی خانوادگی شان منجر نشود. مستمری بازنشستگی همراه با افزایش هزینه زندگی، افزایش یابد و خود و خانواده شان حق استفاده از بیمه های درمانی را همچنان دارا باشند و در یک کلام با تهیه یک طرح واقع بینانه و در عین حال حافظ منافع بازنشستگان زحمتکش، مساله ای را که گاه در هیئت حل مقابل کارگران قرارداد می شود، دولت برای همیشه حل کند.

مادر شماره های گذشته نامه مردم، بکرات و به تفصیل مساله تأمین اجتماعی کارگران را مطرح و بررسی کرده ایم، ما گفته ایم که در تدوین قوانین مربوط به کار، حقوق و زندگی زحمتکشان، نخست باید از نظرات خود آنان بگونه های مطمئن و مستمری یاری جست برای نمونه در ارتباط با طرح پیش نویس قانون تأمین اجتماعی، ما گفته ایم که این طرح اصولاً بنظر سازمان های کارگری نرسیده است و کارگران در تدوین آن شرکت نداشته اند. این تقصیر بزرگی اساساً در تمام سطوح برنامه ریزی برای تدارک ضوابط کلیه قوانین مربوط به کارگران، از جمله قانون کار همچنان پیش می خورد دعوت از احزاب، سازمانها و نهادهای کارگری بویژه سندیکاهای در تصمیم گیری پیرامون هر موردی که مستقیم یا غیرمستقیم به کارگران مربوط می شود، تنها راه عملی و اصولی برای رفع نارسایی های موجود است.

تجربیات گذشته را فراموش نکنیم. دماور می بویط به کارگران هیچ مرجعی ذیصلاح از خود کارگران نیست و نخواهد بود. زیرا این تمام زندگی انسان است و هر نقطه، هر خط و هر گوشه ای از آن، ریشه در رنج ها و محرومیت های درودزدانی دارد، که انقلاب موظف به زدودن تمامی آثار شوم و ننگین آن است.

اخبار کارگری

هنوز هم «شگردهای طاغوتی» در مورد کارگران موقت پارکهای تهران بکار می رود!

کارگران پارکهای تهران به دو گروه مشخص تقسیم میشوند: کارگرانی که در استخدام رسمی شهرداری هستند و کارگرانی که بطور موقت کار میکنند. کارگران رسمی تا اندازه ای وضع بهتری دارند و مخصوصاً بعد از انقلاب به حقوقشان نیز اضافه شده است. این کارگران در دستهای نگهبانی، باغبانی، سرابابانی و آشپزی کار میکنند. به ازای ۸ ساعت کار روزانه، پدید ۷۰۰ ریال حقوق ثابت روزانه دارند، که نسبت به قبل از انقلاب، حدود ۲۰۰ ریال اضافه شده است. کارگران ۳۰۰۰ ریال در ماه حق سکن، حدود ۳۴۰۰ ریال حق اولاد و ۱۵۰۰ ریال به ازای یک وعده غذا دریافت می کنند. آنها بیمه هستند و از دفترچه بیمه استفاده می کنند.

کارگران برای مسکن غالباً از بانک رفاه کارگران وام دریافت کرده اند و بعد از انقلاب در امیردختر وام تسریع بعمل آمده است.

کارگران روزهای تعطیل کار نمی کنند و در صورت تمایل خودشان حقوق اضافی، به اندازه یک روز حقوق ثابت، دریافت می کنند.

کارگران قبل از انقلاب سندیکا داشته اند، ولی در حال حاضر شورا دارند و از هر پارک یک نماینده در این شورا است، که تصمیمات شور را به اطلاع کارگران می رساند.

مشکل اساسی آنها در حال حاضر گرانی بیش از حد ارزاق و نیازتاج عمومی است. یکی از نگهبانان میگفت:

«در حال حاضر با این حقوق تأمین نیمی راه علاج هم نیست که جلوی گرانی گرفته شود و قیمت ها را پایین بیاورند.»

اما وضع کارگران موقت پارکها طور دیگری است. این کارگران بیشتر در پارکهای بزرگ، مثل پارک ملت، کار میکنند. این کارگران رانین می توان بدو گروه تقسیم کرد: گروه اول کشاورزان دیم کار و باغبانین، که در فاصله کاشت تا برداشت برای کمک خرجی به تهران می آیند و در پارکها کار میکنند. گروه دوم کارگرانی که ساکن تهران هستند.

ساعت کار این کارگران از ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر است، که ۱ الی ۱٫۵ ساعت وقت تاخیر دارند. درازای این ساعات کار، هنوز حقوقشان مشخص نیست و هیچکدام از آنها نمی دانند که روزی چقدر حقوق دریافت خواهند کرد. آنها غالباً شبها را در پارکهای پلاستیکی، که خوششان در گوشه ای از پارک کار کرده اند، می گذرانند.

یکی از کارگران موقت پارک ملت می گفت:

«موقع مراجعه به کارخانه که کار برای سه ماه داریم، بعد از تمام شدن این مدت، یک هفته تا ۱۰ روز بروید و جای دیگر کار کنید و بعد برگردید و آنوقت اگر کار بود، بفرماید به شما کار می دهیم.»

او اضافه کرد:

«فکر میکنم که این بخاطر فرار از بیمه کردن است. یکی دیگر از کارگران، که از حسن آباد کرمانشاه به تهران آمده است، می گفت:

«ما از روی ناچار برای کار به تهران می آیم. در آنجا زمین و آب با اندازه کافی نداریم و مجبوریم که در همان یک تکه زمین دیم کاری کنیم که کفاف زندگی مان را ندهد. اگر زمین و آب در اختیارمان بگذارند، دیگر احتیاجی به کار در شهر نخواهیم داشت.»

یکی از کارگرانی که در تهران ساکن است، میگفت:

«پارسال نیز بصورت ۳ ماهه ۳ ماهه کار کرده ام. تصمیم دیگری غیر از باغبانی ندارم و در حال حاضر ۱۰ سال است که در این رشته کار میکنم. تا آخر تابان پارسال اینجا کار میکردم. بعد رفته ام و حدود اول فروردین دوباره به سر کار برگشتم. در این فاصله خرج مسرتخانه را از جیب داده ام و در زمستان کار چندانی گیرم نیامده است.»

او اضافه کرد:

«بالایک ماه حدود ۷ ماهه از سال (بصورت سه ماه به سه ماه) در اینجا کار میکنم، ولی با استفاده من موافقت نمیشود، که این باعث سرگردانی من است.»

نیروی خلاق زحمتکشان بتواند انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما است



در شرایطی که کشورهای امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به تحریک اقتصادی ما دست زده اند، موفقیت این گروه از زحمتکشان میهن ما میان اراده خلاق در حفظ استقلال، عدم وابستگی و مقاومت در برابر تهدیدهای امپریالیستی است.

دولت جمهوری اسلامی ایران میتواند و باید در نبرد بی امان با امپریالیسم آمریکا، به کارگران و سایر زحمتکشان متکی باشد و به تحقق خواسته های آنان اهمیت درجه اول دهد.

از نماینده شرکت انگلیسی «کوپر» هیئت دعوت بعمل آمد. نماینده شرکت پیشنهاد خود را، که مستلزم صرف وقت و هزینه فراوان بود، ارائه داد.

همزمان با این پیشنهاد، یکی از کارمندان اداره تعمیرات برای تعمیر دستگاه پیشقدم شد. ارباب کمک عده ای از کارگران، با روزی ۱۶ ساعت کار در روز، تعمیر دستگاه را در مدت ۳ هفته به اموقت به پایان رساند، بطوریکه سرپرست بهره برداری طی نامه ای از هیئت تعمیراتی قدردانی کرده است.

کارگران بافنده بازار باتشکل به خواسته های خود جامه عمل می پوشانند

کارگران بافنده (گردبافی) بازار اخیراً در صدد برآمدند که برای سامان بخشیدن به آشفته گی های موجود مربوط به کار و امکانات رفاهی و حقوق سنتی خود، با تبادل نظر و ایجاد زمینه تشکل هر چه بیشتر، اقدامات خود را هماهنگ کنند و به خواسته های سنتی و قانونی شان جامه عمل بپوشانند.

کارگران بافنده بازار هنوز بیمه نیستند. دستمزد ناچیزی دریافت می کنند و روزانه تا ۱۲ ساعت کار می کنند، که در مواردی شامل هر هفت روز هفته می شود، و مهمتر از همه، از تمام مزایای قانونی محروم اند و در شرایط نامساعد کارگاهها کار می کنند.

کوشش کارگران بمنظور دست یافتن به تشکل، ضرورتی است که بخودی خود امیدوار کننده و قابل تحسین است، ولی نکته تأسف آور این است که محافلی از این موقعیت بسود خویش و بزبان کارگران استفاده می کنند. آنها می کوشند با علم کردن شورا - که به جای خود درست و قابل تأیید است - سندیکار - که چهارچوب مشخص و متمایزی نسبت به شورا دارد - تعخته کنند.

مافوق این کارکنان زحمتکش را به خانواده، دوستان و همکاران آنان صمیمانه تسلیم می کنیم. ولی مساله اینجاست که شورا ای عالی حفاظت ظاهراً در روزداری کار و امور اجتماعی وجود دارد و این مسئولیت را نپذیرد که آیین نامه های مربوط به تأمین بهداشت کار و حفاظت کارگران و جلوگیری از حوادث در حین کار تهیه و تصویب کند.

از سوی دیگر در مواد ۴۸، ۵۰ و ۵۲ قانون کار نیز بر رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی در کارگاهها و تعطیل تمام یا قسمتی از آن در صورت احتمال وقوع حادثه یا ایجاد خطر یاد کرده است. بنا به تشخیص بازرسی کار، تا کید شده است. ولی این مواد بهیچوجه مورد اعتنا قرار نمی گیرد.

چرا برای کار در عتق چاه، که همواره خطر گاز گرفتگی و خفگی وجود دارد، کارگران شرکت ساختمانی مهر حتی یک ماسک ایمنی نداشته اند. آیا کمربند و طناب و سایر وسایل ایمنی کار واقعاً زاید بوده است؟

چگونه است که حتی از مرگ کارگران نیز کسی باخبر نمی شود.

باز هم حادثه منجر به فوت در حین کار

راستی مقصر کیست؟

طبقه کارگر ایران از بدو پیدایش تاکنون، زیر سلطه ستم جانیکارانه کارفرمایان طاغوتی در دوره رژیم های پیشین فراز و نشیب های دشواری را از سر گذرانده است. کارفرمایان با استفاده از پراکنندگی، ضعف و ناآگاهی کارگران از یک سو و سرنیزه جبار حاکم از سوی دیگر، شیوه جان کارگران را می مکیدند و در مقابل از تأمین حداقل نیاز های کارگران خودداری می کردند.

سأله گذشت تا با مبارزات بی امان طبقه کارگر، بویژه با هدایت حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، نخستین استاد حقوقی که در بر گیرنده جوانی از متفان و حقوق کارگر بود، آچارا به هیات های حاکم وقت تحویل شد. این استاد، علیرغم نقائص خود، دلالت بر کاهش ساعات کار، اختصاص مزایای معینی بکارگران از جمله تضمین امنیت محیط کار و تأمین جانی کارگران داشت.

کم نیستند کارگران ایرانی که بسارها در فضای خفقان آور کارگاهها و معدن ها مسموم شده اند، در آوار طاق ها و سقف ها زیر خروارها خاک و آهن دفن شده اند، با زوان پرتو نشان در کامشان - هاوار چرخ ها خرد شده است، هوای آلوده، تاریک و غیر بهداشتی انواع بیماریها را برای آنان ارمغان برده و...

و در برابر، کارفرمایان همواره دبی دینی از انجام تعهداتی که قانون کار بر عهده آنان گذاشته است، شانه خالی کرده اند.

در این زمینه، در هر کارخانه، هر کارگاه، هر معدن و هر جا که جمعی از کارگران حضور دارند، شواهد گوناگونی وجود دارد. با این همه ذکر چند مورد، که فقط در چندماه اخیر رخ داده است، برای پی بردن و تجسم بخشیدن به عمق بی توجهی کارفرمایان و مدیران واحدهای تولیدی ضرور بنظر می رسد.

● دیماه سال گذشته، در کواره شیراز، قربان مرادی در کوره آجر پزی سوخت، علت بروز این سانحه همچنان در برده ابهام است.

● اواسط بهمن ماه گذشته، دون از کارگران کارخانه سیمان تهران به نامهای رجایی شفیعی و اباذر راهی، هنگام کار در سیلو خاک، بر اثر ریزش دچار حادثه

شدن و پس از دوروز در گذشت! این نمونه ها در صدها شرکتی است از خروار و در حد خود تا بلو گویایی است از بی نظمی کارگزارانی که برای گذران زندگی خود خانواده خویش سیب از خاشاک بیرون می روند و شامگاه با پانزدهم میگردند، یا پارا ارمغانی از نقص عضو و صدمات غیر قابل جبران از راهی خانه می شوند و در مواردی نیز برای همیشه خانه نشین می شوند.

روز ۱۲ اردیبهشت ماه جاری نیز دو کارگر شرکت ساختمانی مهر - پیمانکار شرکت جنرال موتورز ایران، که نسبت برادری با یکدیگر داشتند، حین حفاری در تاج در جاسانه شدند و جان خود را از دست دادند. جالب اینجاست که ابتدا یکی از این دو دچار گاز گرفتگی می شود و سپس فردوم که بقصد کمک وارد چاه شده بود سرنیام نیز فقط با استفاده از زندگی از این کارگران، کارگران بمحل حادثه می شتابند و جسد ها را از داخل چاه خارج می کنند. شواهد کارگران جنرال موتورز به بیکار خویش صندوقی جهت کمک به خانواده کارگران متوفی اختصاص داده است.

دهقانان می نویسند:

غ. آ. و م. در شرح حال خود خطاب به نامه «مردم» چنین می نویسند:

«پس از سلام و آرزوی موفقیت برای شما دوستان و رزمندگان راه دهقانان و زحمتکشان، من یکی از کشاورزان اهل گرمسار هستم، که با چندین کشاورز دیگر از سالها قبل روی زمین یکی از مالکان این شهر مشغول هستیم. زمین کشاورزی ما در کنار شهر قرار دارد و اکنون که این نامه را برای شما می نویسم، مسئله ای برای ما پیش آمده است که از شما خواهش میکنم در روزنامه تان درج کنید:

از چندین روز پیش از طرف مقامات شهری، یعنی شهرداری، پاسداران و شورای شهر خواستند خیابانی از میان زمین ما درست کنند، که با اعتراض من و یکی دیگر از کشاورزان، که خیابان مزبور به زمین او هم برخورد میکند، روبرو شدند. مقامات مسئول در مقابل اعتراض ما، که آنها حق ندارند زمین ما را تبدیل به خیابان کنند، متأسفانه جواب منطقی ندادند و طبق اظهارات خودشان میخواهند بزور این کار را انجام دهند، ما با توجه به این مسئله که طرح چنین نقشه ای، تا آنجا که اطلاع داریم، موجود نبوده است و اگر چنین نقشه ای توسط شهر - دار یا شورای شهر و یا غیره ریخته شده، چرا به این مسئله، یعنی از بین رفتن زمین مزروعی ما توجه نشده، از آنها خواستیم که به این مسئله برخورد منطقی داشته باشند و اگر میخواهند خیابانی احداث کنند، پس تکلیف زمین ما چه خواهد شد؟ در مقابل تمام این مسائل و سؤالات، متأسفانه هیچگونه جوابی نمی دهند و هم اکنون با پولدور جای جاده را صاف کرده و میخواهند جاده را شریزی کنند، که ما از این اقدام جلوگیری کرده و از مقامات مسئول میخواهیم که از این اقدام غیرقانونی و ضددهقانی جلوگیری کنند، که باعث بروز مسائل دیگری نشود.»

علاوه بر مسئله حقوق دهقانان زحمت کشی که باید در هر کار عمرانی در نظر گرفته شود، مسئله حفظ زمینهای زراعی را نیز باید با دقت تمام در نظر داشت. منابع خاک کشور همانند منابع آب، یکتاروت بسیار مهم و مخلوط ماست و باید با توجه و مطالعه فراوان از آن بهره برداری شود. تنها در صورتی که نیازهای کاملاً جلی و موجه اقتصادی و اجتماعی ایجاد کنند و با سخت گیری و توجه فراوان، ارگانهای صالحه می توانند اجازه تبدیل زمین زراعی را بدهند.

در مورد این دهقانان گرمسار، اولاً این توجه ضروری است. ثانیاً در صورت موجه بودن، نباید زمین دیگری در اختیار آنها گذاشت، تا امر تولید محصولات کشاورزی، که از مسائل بسیار حیاتی کشور است، لطمه ای نبیند.



دهلی اکبر - کرمانشاه - دهستان درو فرامان اهالی در مدرسه جمع شده اند تا درباره مسائل خودشان بحث کنند

عملکرد شورای واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین

(گزارشی از واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین در روستای چهل نصر)

اختیار قراردادن امکانات بیشتر جهت زودتر به زیر کشت بردن زمین ها است. شورا عقیده دارد که تنها با اتحاد و یکپارچگی دهقانان زحمتکش است که میتوانند به حق خود دست یابند و توطئه های مالکین را خنثی کنند.

گزارش روستای چهل نصر طوالتش نشان اهمیت اتحاد و تشکیل است. دهقانان دست بدست هم داده و تسلیم نفاق افکنی و دوپهلویی نشدند. دهقانان شورای خود را انتخاب کردند تا متشکل شوند. به صورت هم آهنگ با یکدیگر انتخابی خود را از میان دهقانان بی زمین و کم زمین انتخاب کردند، که در دهه را میدانند و خواست همه دهقانان بی زمین و کم زمین خواست خود آنها نیز هست.

و اتحاد شورا و دهقانان این توطئه ها عقیم ماند.

اربابان اکنون از راههای دیگری وارد شده اند، چون تاکنون ۴ تراکتور جهت کشت و خشوریک پولدور جهت تسطیح زمین ها در اختیار شوراها گذاشته شده است و از طرفی فصل کشت سرعت داده سیری میشود، ولی اغلب زمین ها آماده نشده است، اضافه اینکه دهقانان از نظر وضع مالی سخت در ضیق هستند و هنوز وام دریافت نکرده اند، آنها با پراکندن شایعاتی از قبیل اینکه، دو برابر اسامل نخواهند داد و با «تامین کشت زمین ها آماده نخواهد شد» و نیز دادن وعده هایی از قبیل «زمین های ما خنجرده و آماده کشت است، بیائید مثل سابق زمین های ما را با یک نصف بکنید» میخوانند دهقانان را ناامید میکنند و از کشت زمین ها باز دارند. علاوه بر این هم قانع نشدند و بقصد تحریک و دوپهلویی، به تصرف زمین بعضی از دهقانان (از جمله جوانان شگور و ورجمه اله و ارضی) پرداختند. شورا نیز ضمن محکوم کردن این عمل، جریان را به جهت مذکور اطلاع داده است، تا اقدامات جدی بعدی صورت گیرد.

نسبت به کار آنها بدین سازند و میکنند.

«اینها کمونیستها هستند و از جانب دولت نیامده اند»، که این توطئه ها با کار عملی شوراها عقیم ماند.

ولی این عده همچنان به فعالیت های مشرب خود ادامه میدهند و هنوز هم میدهند. آنان ابتدا خواستند که نمایندگان خود را در ترکیب شورا وارد کنند، که موفق نشدند و از آنجا که افراد شورا (آساکیشی نیزه ساز، عنایت ورائی، غلامحسین، ذرمسانی، احمد میرشهبازی، امید صبحی) از افرادی بی زمین و کم زمین بودند، زمین ها را به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کردند، که با اشتباهات بسیار جزئی همراه بود.

از چند سال پیش شخصی به اسم دکتر مستوفی، جهت ایجاد مجتمع حفن آباد برای دامپروری اقدام به خریدن چوپهای جنگلی و تسطیح زمینهای وسیع در منطقه شمالی طوالش از جمله تنگه، چهل نصر، انوش حله و جوجندان کرد. و در این راه به حرم خانه و محوطه دهقانان نیز تجاوز کرد. از آنجا که این سرمایه گذاری در ارتباط با خاندان منفقور پهلوی بود، اعتراض بحق دهقانان بی نتیجه ماند. ولی بر اثر انقلاب شکوهمند میهمان این شخص فراری گردید، اما عده ای از مالکین و زمینداران منطقه به تصرف زمین ها دست زدند و مانع از آن شدند که دهقانان بی زمین و کم زمین هم صاحب زمین شوند. آنها برای تصاحب زمین با دلیل می آوردند که ماقبالا صاحب این زمین ها و جنگل بوده ایم و قبلاً قدمی نداریم تا اینکه هیئت از جانب وزارت کشاورزی و اسناد و مصفاهای برای تقسیم زمینهای منطقه طوالش بهشتی آمد. این هیئت با استفاده از نیروی جوان و فعال روستاها، شورای واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را تشکیل داد. و از همان موقع کارشکنی ها و توطئه های مالکین و اربابان روستاها شروع گردید.

کننده روغن نباتی با کمبود تولید مواجه میباشند و اغلب آنها با داشتن مواد و ظرفیت کامل، به علت جریان ناشی از انقلاب پر شکوه اسلامی، همه ماهه مدتی تعطیل تولید نداشته اند و به همین جهت این کمبود وجود دارد و سهمیه ماهانه روغن نباتی، که وسیله شرکتهای تولیدکننده در اختیار تمام روستای روستای قرار داده میشود، بهیچوجه چوپاگویی نیاز مصرف جامعه روستایی کشور نمیباشد و تاگزیر بر مقدار روغن نباتی به نسبت جمعیت هر شهرستان و مالکان روستاها سهمیه بندی شده و همه ماهه وسیله تمام روستای روستای و فروشگاه مصرف قریه در اختیار اهالی همان روستا و قراء همچو قرار داده میشود. لذا برای جبران این کمبود در سطح روستاها، مرتباً با مقامات ذصلاح بطرف مختلف در ارتباط هستیم تا سهمیه ۴۶۱۰ تن در ماه حداقل به میزان ۹۰۰۰ تن افزایش داده و روغن نباتی مصرفی روستائیان را فراهم نمائیم. لیکن این تقیه زمانی بر طرف خواهد شد که اولاً تولید کارخانجات بحال عادی خود باز گردد. ثانیاً مقامات ذریع در وزارتخانه های بازرگانی و صنایع و معادن، کارخانجات تولیدی را موظف نمایند که تولید روغن نباتی در سطح مملکت به نحو صحیح و مطلوب و با روش کاملاً نظارت شده و قابل کنترل بطور عادلانه بین جامعه شهری و روستایی وسیله تمام روستا توزیع گردد. نام «مردم» امیدوار است که مسئله توزیع انزاق عمومی در سطح شهر و روستا هر چه سریعتر، با اقدامات انقلابی و درخورشان انقلاب و بنفع زحمتکشان شهر و روستا حل شود و نیسازهای غذایی زحمتکشان به نحو احسن و نفایسته تامین گردد.

مصر فین قلی به توطئه خود ادامه دادند و مشغول جمع آوری امضاء از خود اهل و اربابان و خورده مالکین شدند و با نسبت دادن هایی مانند «کمونیست» به اعضای شورا، به مقامات مسئول، از جمله استانداری و فرمانداری مر اجه کردند و با سوء استفاده از اشتباهات جزئی شورا دست به ایجاد بدبینی بین دهقانان و نیز شورا زدند و سعی کردند که مانع این عمل مترقی و قانونی و بنفع زحمتکشان روستاها، یعنی واگذاری زمین ها شود، که خوشبختانه با پیاداری

زمین - خواست اصلی روستائیان «قره قیه» مشکین شهر

در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹، باز طرف جهاد سازندگی مشکین شهر و سپاه پاسداران عده ای برای کمک به دهقانان، جهت تشکیل شورای ده وارد روستای «قره قیه» شدند. مردم ده با اجتماع در جلوی مسجد و پس از بحث و مشورت، ۸ نفر را بعنوان اعضای شورای ده انتخاب کردند.

شورای منتخب مردم در جلسه ای که همان روز تشکیل داد، مشکل اصلی روستائیان «قره قیه» را به بحث گذاشت و از دولت خواست در رفع این مشکل کمک کند.

مشکل این است که اهالی این روستا، در سال ۴۵، در مزرعه «محمودآباد»، ۲۴۰۰ هکتار گندم و جو کشت کرده بودند، که این مزرعه و محصولاتش توسط عمال رژیم منفقور پهلوی در اختیار عمدهای چهلگر قرار داده شد، که هنوز هم این زمینها در اختیار آنان است.

در این مورد روستائیان شکایتی به سپاه پاسداران و شورای انقلاب و استانداری آذربایجان شرقی دادند و روغن نباتی به خواستشان رسیدگی نشده و دهقانان این روستا باز همچنان چشم به انقلاب دوخته اند، تا زمینهایشان را به آنها بازگرداند.

در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹، باز طرف جهاد سازندگی مشکین شهر و سپاه پاسداران عده ای برای کمک به دهقانان، جهت تشکیل شورای ده وارد روستای «قره قیه» شدند. مردم ده با اجتماع در جلوی مسجد و پس از بحث و مشورت، ۸ نفر را بعنوان اعضای شورای ده انتخاب کردند.

شورای منتخب مردم در جلسه ای که همان روز تشکیل داد، مشکل اصلی روستائیان «قره قیه» را به بحث گذاشت و از دولت خواست در رفع این مشکل کمک کند.

مشکل این است که اهالی این روستا، در سال ۴۵، در مزرعه «محمودآباد»، ۲۴۰۰ هکتار گندم و جو کشت کرده بودند، که این مزرعه و محصولاتش توسط عمال رژیم منفقور پهلوی در اختیار عمدهای چهلگر قرار داده شد، که هنوز هم این زمینها در اختیار آنان است.

در این مورد روستائیان شکایتی به سپاه پاسداران و شورای انقلاب و استانداری آذربایجان شرقی دادند و روغن نباتی به خواستشان رسیدگی نشده و دهقانان این روستا باز همچنان چشم به انقلاب دوخته اند، تا زمینهایشان را به آنها بازگرداند.

گردی برون روستای دلکی را دریابید

روستای دلکی در ۷۵ کیلومتری استان زنجان واقع است. این روستا یکی از محرومترین و دورافتاده ترین روستاهای حومه زنجان بشمار میرود. جای بسی تأسف است که بعد از انقلاب تاکنون هیچگونه عمل مثبتی در این روستا صورت نکرده است. اهالی این روستا برای تهیه جرعهای آب آشامیدنی باید دوازده کیلومتر پیاده روی کنند، تا شاید یکی دو گالن ۱۸ لیتری آب مورد نیاز خود را فراهم نمایند. اهالی این روستا از هر گونه مسائل رفاهی و بهداشتی و غیره بی نصیبند، از آنجمله، مدرسه، حمام، درمانگاه آب آشامیدنی و زراعی.

منبع درآمد این روستا فقط از طریق گله داری تامین میشود. تسمب آوری است که آنها خود تولیدکننده مواد گوشتی و پیروتکنیکی هستند، ولی سالانه بیش از یکی دو بار به گوشت دسترس ندارند، تازه آنهم در صورتی امکان پذیر است که گرگ بکوسفندان حملو تعدادی از آنها را زخمی کند.

توجه به مسائل اولیه زندگی دهقانان دلکی زنجان، مانند سایر دهقانان کشور، هم برای ازدیاد تولید و هم برای بهبود وضع زیستی آنها، کمال ضرورت را دارد.

دفاع تا پای جان

دو زارع سالخورده، با چشمتی عاقله، ۲۵ سال است که بر روی ه هکتار زمین در راه میان قلعه (مروست) از روستاهای فارس، کار میکنند.

اخیراً مالک ده، که حتی مقدار ناچیز زمین هم نمیتواند چمبروشی کند، برای بیرون راندن دو زارع دست به اقداماتی زده است.

یکی از زارعین، که طاقت خود را در برابر تجاوز مالک زورگو، که در شهر ساکن است، از دست داده بود، جان پلب رسیده مقاومت کرده و میگردد.

دو را می کشم، خودم هم کشته میشوم، ولی حداقل فرزندمان روی آسایش می بینند.

ولی دهقانان البته میدانند که راه احقاق حق و آسایش خود و فرزندان شان مبارزه جدی و بی گری است. به همین جهت نیز این دو زارع بدینال غصب زمینهایشان از طرف مالک بزرگ، به دادگاه انقلاب شکایت میکنند و دادگاه حکم استرداد زمینها را به آنها میدهد.

ولی مالک زورگو باز هم به پایمال کردن حقوق زارعین ادامه میدهد و برای بیرون راندن دهقانان، به اعمال نفوذ مراجع قانونی توسل میشود.

دو دهقان سالخورده هنوز در انتظار عدالت نسته اند. آنها از مقامات مسئول میخواهند که حقوق آنها بر سمیت شناخته شود و از اقدامات جابرانه و غاصبانه مالکین جلوگیری بعمل آید.

این قانون مصوبه ۸ اسفند، مگر قرار نیست اجرا شود چرا اینقدر بتاخیر میاندند. از عملی شدن آن صحبتی نیست؟ با اجرای قانون بیجه این درگیریها و قانون شکنیها و حق کشیها میشود پایان داد. قانون را تحریر میکنند، آنرا اجرا کنید و هر چه زودتر و قطعاً به اجرا کنید، تا دیگر مالکان بزرگ به ه هکتار زمین دو دهقان پیر چشم نفوذند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

رضاصفی عضو هیئت عامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران: سال گذشته سال پر بار برای صنعت ذوب آهن اصفهان بود

کارشناسان شوروی مانند سابق پنجوا حسن برای توسعه و تکمیل این طرح کار میکنند

خبرگزاری پارس با آدی رضاصفی عضو هیئت عامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران مساجهای انجام داده است که به لحاظ اهمیت قسمت هائی از آنرا درج میکنیم:

آقای آصفی در مورد ساختمان ذوب آهن گفت: «کار ساختمانی شرکت ملی ذوب آهن ایران در سال ۱۳۴۶ با کمک اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد. تولید سالانه کارخانه ذوب آهن در مرحله اول ۶۰۰ هزار تن چدن و ۵۰۰ هزار تن فولاد بود.»

او اضافه کرد که: «قرار است این رقم در مرحله دوم به یک میلیون و نهصد هزار تن فولاد بالغ شود و برای تکمیل این مرحله به ۱۱۰ میلیارد ریال پول نیاز است. تولید در مرحله سوم به چهار میلیون و دویست هزار تن و بالاخره به ۶ میلیون تن در سال خواهد رسید.»

«نکته حائز اهمیت اینست که تمام مواد اولیه کارخانه در ایران تولید میگردد، بجز مقدار کمی (حدود ۱۳٪ درصد) ذغال خارجی که با ذغال سنگ ایران مخلوط میشود تا کیفیت آن بالا رود.»

آقای آصفی ضمن اشاره به توسعه کارخانه اظهار داشت: «ما فعلا خیال نداریم کارخانه را زیاد توسعه بدهیم، بلکه آنرا فعلا در حد یک میلیون و نهصد هزار تن نگاه خواهیم داشت.»

او اضافه کرد که: «سال گذشته سال پر بار برای صنعت ذوب آهن اصفهان بود، باین معنی که در عرض سال گذشته تولید به سطح ۵۶۵ هزار تن فولاد رسید. در ضمن برای این منظور از ۵۰۰ هزار تن ذغال سنگ شسته شده و حدود ۹۵۰ هزار تن آهن و دویست هزار تن آهن استفاده شده است.»

آقای آصفی ضمن اشاره به مقدار مورد احتیاج فولاد گفت: «ما سالانه به ۶ میلیون تن فولاد نیاز داریم و امیدواریم که تا چهار سال آینده به مرز خود کفائی برسیم.»

آقای آصفی درباره تمدد کارکنان صنایع فولاد اظهار داشت: «تعدادی از آنها کارشناسان خارجی هستند که در سال ۵۷ مجموعا به ۷۹۵ نفر بالغ میشد، ولی در سال ۵۸ تعداد آنها به ۵۷۹ نفر تقلیل یافت که همه آنها اهل شوروی هستند و کارشناسان شوروی مانند سابق توجه احسن برای توسعه و تکمیل این طرح کار می کنند. تعداد کل کارگران و کارمندان و کارشناسان فن حدود صد هزار نفر هستند.»

وی آنگاه در مورد لوازم یدکی کارخانه ذوب آهن گفت: «تا حدود ۸۰ درصد لوازم یدکی را خود تولید میکنیم. بعنوان مثال کارخانه ریختهگری چدن ۱۱۸۰۰ تن چدن برای قطعات یدکی تولید میکند و ظرفیت ریختهگری فولاد ۵۷۰۰ تن است. ریختهگری فلزات رنگی مانند برنج، مس و برنزیسمت در سال کارگاه تراشکاری و آهنگری ۴۴۰۰ تن برای ساخت قطعات و ۳۶۰۰ تن برای پرداخت است. حدود ۱۰۸۰ تن در سال ظرفیت کارهای عملیات مکانیکی و حرارتی فلزات است و ساخت قطعات مخصوص شناوژی ۳۲۰۰ تن در سال است.»

آقای آصفی در مورد هزینه هائی که صرف این صنعت میگردد اظهار داشت: «این هزینه ها را باید به دو گروه تقسیم کرد: قسمتی از آن هزینه تولید است که در معادن و کارخانه صرف میشود. دیگری هزینه توسعه است که هم در کارخانه و هم در معادن انجام میگردد. اگر این دو را از هم تفکیک کنیم متوجه خواهیم شد که لهتبا ضرری در کار نیست، بلکه مقادیر هم استفاده می بریم.»

تشکیلات ایالتی آذربایجان، از آغاز، پشتیبانی بی دریغ خویش را از شما اعلام نموده همیشه و همواره علیه سازشکاران و توطئه گران، که سعی در بی اعتبار نمودن و دانه پختن کردن حرکت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام داشته و دارند، در زمینه و خواهد زد.

و اکنون که توطئه های امپریالیسم به همراهی عوامل داخلی و خارجی اش، علیه انقلاب شکوهمند تا بدان حد رسیده است که آشکارا و بی پروا در ایران نیروی نظامی پیاده می کند و همه روز با ایجاد تشنج و درگیری مین مارا به آتش میکشد، باز دیگر پشتیبانی صمیمانه خویش را از شما اعلام میداریم و اطمینان می دهیم که همراه با کلیه مردم انقلابی آذربایجان شما را در نگهداری جاسوسان آمریکائی یاری خواهیم رساند و از این پس نیز در پیشبرد اهداف انقلابی شما همواره باشما در یک سنگ مبارزه خواهیم زد.

دردود برد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام!

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - تشکیلات ایالتی آذربایجان ۵۹/۲/۸

به مناسبت انتقال چند تن از جاسوس های آمریکائی به شهر تبریز، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - تشکیلات ایالتی آذربایجان، پیامی به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، فرستاد. در این پیام آمده است:

مبارزین غیور!

حرکت انقلابی شما برای تسخیر لانه جاسوسی نه تنها بر یک زردی در تاریخ جنبش شکوهمند دانشجویان مین همان کشور، بلکه، به تمهید امام آغازی بود بر انقلاب دوم که بزنگار است از انقلاب اول.

حرکت شما رسواگر یک سری توطئه های عوامل و کارگزاران امپریالیسم آمریکا و سیاست سازشکارانه دولت موقت بود. حرکت شاخون تازه ای بود بر گه های انقلاب و قطعه عطفی در جهت تحکیم و تثبیت خط امام در جنبش انقلابی مین عزیزمان.

و بدینسان بود که حرکت شما مورد پشتیبانی وسیع ترین اقشار و طبقات، به ویژه طبقه کارگر قهرمان و دیگر زحمتکشان مین همان قرار گرفت.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران -

پیام جوانان و دانشجویان دمکرات آذربایجان به مناسبت انتقال چند تن از «گروگانها» به تبریز

موضع مفسده جو یانه رهبری چین نسبت به تجاوز نظامی ناموفق امریکا علیه ایران

محموم کردن اقدامات تجاوزی آمریکا، در پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، حصارها و اختراهای جدی دولت شوروی به دولت آمریکا و بر حذر داشتن آن از اقدام به این ماجراجویی، بازار تبلیغات دروغ و مغرضانه چین و آمریکا را درباره خطر موهومی که گویا از جانب اتحاد شوروی ایران را تهدید میکند، در نظر حتی ساده لوح ترین کسانی که آماج این تبلیغات قرار میگیرند، از رونق می اندازد و واقعیت سیاست و مواضع اتحاد شوروی را نسبت به انقلاب ایران بر آنها روشن میسازد.

پس برای جلوگیری از چنین «خطری» باید در تمام موارد مربوط به توطئه ها و تجاوزات امپریالیسم آمریکا علیه ایران، اتحاد شوروی را هم مطرح کرد.

جنب دیگر این قضیه همانست که امپریالیسم آمریکا بیش از هر چیز روی آن تکیه میکند و کارتر رئیس جمهور آمریکا هم در پیام خود به امام خمینی به آن اشاره کرده بود، یعنی دشمن اصلی

کند و افکار عمومی را از توطئه ها و تدارکات جنگی خود علیه ایران منحرف سازد.

این بار هم که تجاوز نظامی ناموفق آمریکا علیه ایران از جانب همه کشور های سوسیالیستی و کشورهای مستقل ملی، احزاب کمونیست و جنبشهای راهائی بخش ملی با قاطعیت و بطور روشن محکوم گردید و همه این کشورها و سازمانها بر پشتیبانی خود از انقلاب ایران تاکید کردند، رهبری چین، ضمن اعتراف به اینکه تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران ناقض حقوق حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال ایران است، باز هم ابرازگرانی کرده است که از این اقدامات تجاوزی آمریکا، شوروی میتواند استفاده کند.

برای رهبری چین مسئله تجاوز نظامی آمریکا و هدف این تجاوز، که شکست انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است، مطرح نیست، بلکه فقط این مسئله مطرح است که موضع قاطعانه، بگیرد و روشن دولت اتحاد شوروی در

در این زمینه مواضع چین همیشه دورویانه و مبهم بوده است. رهبری چین ضمن اظهار نظر در مورد بحران روابط ایران و آمریکا، هیچگاه روی خطر مداخلات و تهدیدات نظامی و محاصره اقتصادی از جانب امپریالیسم آمریکا علیه ایران تکیه نکرده، دولت آمریکا را محکوم نموده و بطور روشن و قاطع در مقام دفاع از انقلاب ایران بر نیامده است.

در ضمن در اظهار نظرهای رهبری چین کوشش شد است که از یکانه خطر واقعی که تنها از جانب امپریالیسم آمریکا ایران را تهدید میکند، نام برده نشود و به نحوی از انحاء خطروای از جانب شوروی مطرح گردد، یعنی درست همان مطلبی که دستگاه تبلیغاتی عظیم آمریکا شب و روز در تلاش است که این خطروای از جانب شوروی را ب مردم ایران تلقین

از کمتهای مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم

آرش، مازاد، ریگانه ۵۰۰ ریال
یکسی از یاران رفیق شهید هوشنگ تیزابی ۱۰۰۰۰ ریال
حسن فردی حزب پدش ۱۵۰۰۰ ریال
محمود صمدی ۱۰۰۰۰ ریال
امیر و محمد پرنیا به حزب پدشان ۵۰۰ ریال
جواد خوشدل آپکناری ۲۰۰۰۰ ریال
از زحمات رفیق م. محرمی و از کمتهای رفیق ش. جعفری - زاده صمیمانه سپاسگزاریم.

پاسخ سازمان منطقه ای بهاداری و بهزیستی استان بوشهر به نامه «مردم»

سازمان منطقه ای بهاداری و بهزیستی استان بوشهر در پاسخ به نامه «مردم» شماره ۱۳۸، تحت عنوان «اهل بندر» اظهار نظر بهاداشتی: «منه هستند، نامه ای ارسال داشته در آن ضمن اشاره به مطلب فرزند آمده است.

با توجه به طرحهای آبی این سازمان و رعایت اولویت بهد تأمین اعتبار و بودجه لازم جهت احداث بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی گناوه بندر دلم نیز تحت پوشش قرار خواهد گرفت.»

نامه «مردم» ما امیدواریم که کمبود خدمات بهاداشتی گناوه بندر دلم، هر چه بیشتر مرتفع شود.

سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، تجاوز نظامی نافر جام آمریکا علیه ایران را اقدامی «انسانی» توصیف کردند

دول امپریالیستی و چه در مقیاس جهانی، اولویت خاص قائل است برای حمله به ایران و سرنگونی آن. این عوامل اختلافات و تضاد های دنیوی جهانی امپریالیسم را تشدید میکنند. اما در برابر خلق هاییکه به خاطر کسب آزادی و استقلال بهایا خاسته اند و تقسیم دارند کشور خود را از زیر سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی امپریالیسم رها سازند، همه دول امپریالیستی سواضع خصمانه مشترکی اتخاذ میکنند. تبعیت کشورهای عضو بازار مشترک اروپا از تحریم اقتصادی و بازرگانی آمریکا و توجیه و تائید تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران، بار دیگر این واقعیت را تائید میکند که خلقهای انقلابی های امپریالیستی. لذا طبیعی است که هیچیک از دول امپریالیستی با چنین وضعی نمیتوانند دست از سر بردارند. درستی است که امروز امپریالیسم آمریکاییست و خواستند های خود را بر دیگر دول امپریالیستی تحمیل میکنند و برای منافع خود چه در ارتباط میان

کلیه اقدامات توطئه گرانه، مداخله نظامی و تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران امریست طبیعی و از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب قابل پیش بینی بود. زیرا این همبستگی دول امپریالیستی از قانونمندی درونی نظام اجتماعی آنها و منافع مشترک آژندانه انحصارات و کارگرفهای صنعتی و مالی، که حاکمیت واقعی را در این کشورها در دست دارند، نشأت میگیرد.

کشورهای امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با وجود تمام تضادهای دنیوی خود، همواره در برابر خلقها، جنبه متحد و مواضع مشترکی دارند. انقلابهای مردمی و استقلال طلبانه خلقها در هر منطقه از جهان، بهر شکل که باشند، با منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم به مقیاس جهانی برخورد دارند و به خاطر حفظ همین منافع است که کلیه دولتهای امپریالیستی در تضعیف انقلابهای خلقی و جنبش های راهائی بخش ملی و مبارزات استقلال طلبانه خلقها اشتراک منافع

بدلیل کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، که روز ۱۷ ماه مه (۲۷ اردیبهشت) در مورد رهائی گروگانهای آمریکائی پیشرفت محسوسی حاصل نشود، کشورهای عضو بازار مشترک اروپا تحریم اقتصاد و بازرگانی کلی علیه ایران را برقرار خواهند کرد و در این تحریم کانادا و ژاپن و هم بدینا برخورد خواهند کشاد.

والری ژیسکار دستن، رئیس جمهور فرانسه، بهنگام ورود به لوکزامبورگ برای شرکت در این کنفرانس، اظهار داشت که فرانسه همراه با بازار مشترک اروپا تصمیم گرفته است در مسئله گروگان گیری از ایالات متحده آمریکا حمایت کند. رئیس جمهور فرانسه افزود که دولت فرانسه مصمم است به اتفاق بازار مشترک اروپا تا تحصیل آزادی گروگانهای آمریکائی در تهران، همبستگی و اتحاد خود را با ایالات متحده آمریکا حفظ کند.

تبعیت دول اروپای غربی، ژاپن و استرالیا از سیاست تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران و پشتیبانی و حمایت این دول از

توضیح شعبه تأمین اجتماعی قزوین

در پاسخ به خیرمندی در شماره ۱۷۶ نامه «مردم» تحت عنوان «سفت کله بز قزوین خواستار برخورداری از خدمات درمانی و دفترچه بیمه شده اند» نامه ای از سوی شعبه تأمین اجتماعی قزوین به دفتر نام «مردم» رسیده است. در این نامه از جمله اشاره شده است که:

... این سازمان از کلیه کارگاههای مشمول بیمه با توجه به امکانات هر سه ماه یکبار بازاری و کارگران شاغل را تحت نام منبماید که در صورت مراجعه آنها نسبت به صدور دفترچه جهت استفاده از مزایای قانونی اقدام می کند. بدینوسیله است کارفرمایان نیز موظفند در پایان هر ماه نسبت به ارسال لیست و حقوق بیمه کارگران خود اقدام نمایند تا آنها بتوانند بموجب از کمتهای قانونی بهره مند شوند.»

شعبه تأمین اجتماعی قزوین در همین حال توضیح میدهد که «مزایای قانونی شامل کارگران بوده و کارفرمایان طبق قانون مشمول نمیباشند.»

ما امیدواریم که کارگران سفت کله بز قزوین با مراجعه به شعبه تأمین اجتماعی قزوین به خواستهای بحق خود دستا پیدا کنند.

خارج احب اکنند!

چهاردهم اردیبهشت، سالگرد شهادت رفیق توده‌ای را گرامی می‌داریم



رفیق ایوب کلانتری

روز ۱۴ اردیبهشت ۲۰مین سالگرد شهادت ۵ تن از رفقای مبارزات آذربایجان سازمان ایرانی حزب توده ایران در آذربایجان است. رفقا کلانتری، لورویی، زهتاب، جهانبیان، نظیم زاده در سحرگاه روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ در تبریز به پای جبهه اعدام رفتند و برک زدن دیگری برداشتن بر انتخاب نهادت وزم حزب قهرمان پرور خود افزودند. این رفقا نیز در لحظات اول از اعدام نیز با استواری کوه و با مهر بانی و سمیت فوق‌العاده با رفیقان دیگر در بند، بدرود گفتند و در بند گرمشان، در شمارهای آتشپشان، پیمان محکم خود را برای مبارزه در راه پهلوی توده‌های وسیع خلق یادآوری کردند.

رفیق کلانتری... به خانواده‌های ما بگویند که از مرگ ما متأسف نباشند. به خاطر ما که نماندیم. رفیق کلانتری... به خانواده‌های ما بگویند که از مرگ ما متأسف نباشند. به خاطر ما که نماندیم. رفیق کلانتری... به خانواده‌های ما بگویند که از مرگ ما متأسف نباشند. به خاطر ما که نماندیم.

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری اروپا کام مہمی در راه صلح و خلع سلاح بوده است

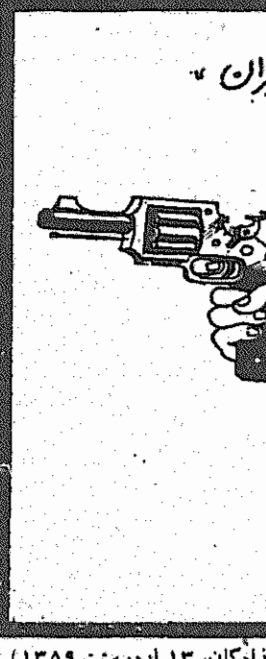
مخاطف کمونیستی اروپا ضمن بحث درباره کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا در پاریس، گفتند که یکی از مهمترین وظایف کمونی طبقه کارگر مبارزه بیکر برای حفظ صلح و نجات بشریت از فاجعه جنگ هسته‌ای است. این مخاطف تأکید کردند که کنفرانس پاریس، که با ابتکار حزب کمونیست فرانسه و حزب کارگر متحده استانبول، با شماره و با خاطر صلح و خلع سلاح، برگزار شد، کام مہمی در این راه بوده است.

در درجه اول درگیر خواهند شد. این طرح جنایتکارانه آمریکایی به اینکته اروپا را به «گوشت دم توپ» تبدیل کند، از طرف پاره‌ای از مخاطف ارتجاعی اروپا حمایت میشود. مخاطف کمونیستی اروپا گفتند که مردم اروپا اکنون بتدریج به این نظرات هولناک پی می‌برند.

از سوی دیگر سیاست تدارکات جنگی بوسیله انحصارات باری شاق پرورش کارگران است و به این جهت باید قاطعانه علیه افزایش تشنج برای صلح مبارزه کرد و همکاری سایر نیروهای طرفدار صلح، مانند سوسیالیست ها، سوسیال‌دمکرات ها و مذهبیون را جلب کرد.

در مطبوعات کشور

۸۵ درصد مردم با رفتن کاروان ورزش ایران به المپیک موافق هستند. شام‌خوبی سرپرست سازمان ورزش درباره المپیک که بحث داغ ورزشکاران شرکت کننده بود، گفت اگر قرار باشد که ورزشکاران ما در میدان‌های آسیایی قبول شوند و ما آنها را به میدان بزرگتری نفرستیم آیا این یک توقف نیست و توقف در زمان انقلاب یعنی شکست و اگر از صحنه محروم شویم به انقلاب ضربه بزنیم و این در حالی است که هشتاد و پنج درصد مردم با رفتن کاروان ورزش ایران به المپیک موافق هستند.



جنگ نظامی کوارتر علیه ایران

باید مطرح وین جونی شود. مسئولین ارگانه‌های اجرائی باید بیش از هر زمان دیگر با توده‌های مردم صادق باشند و هر تحولی و رخدادی را با آنها در میان گذارند تا ذهن توده‌ها پراز واقعات باشد، و هنگام عمل، کورکورانه رفتار نکنند.

دشمنان ما از این پس علناً شربه خواهند زد. آنها دیگر به ایجاد آشوب و اختلاف در درون مرزهای ما بسنده نخواهند کرد. آنها تنها به گسیل نیروهای عراقی قانع نخواهند بود، بلکه خود را سا توطئه میکنند و هر جا بتوانند به ما ضربه خواهند زد. تا بحال خودشان کار را هر چه زودتر بیکسر کنند. در این شرایط، یک اردیابی همه جانبه و جدید در وضع کشور و مواضع ارگانه‌های انقلابی کشور امری حیاتی است. این اردیابی باید شامل نیروهای مسلح، گروه‌های مسلح، نیروهای انقلابی و موقعیت مناطق حساس و سوق‌الجیشی داخل و خارج باشد. ما باید توانا با آنها پیمان را بررسی کنیم

سازمان جوانان مجاهد از کلیه نیروهای ضدامپریالیست انتظار دارد: وحدت شعار و عمل صفوف متحد خلق علیه امپریالیسم آمریکا را مستحکم تر سازند

اصلی قرار دهد. قانون مصوب هفتم اسفند عموماً در این جهت است: ۱- اولویت در دریافت زمین با بهترین قیمت از کشاورز دهقانان. ۲- زمین و کم‌زمن است. هر گاه این اصل اساسی بدون استثناء و در همه نقاط عملی شود و به این قشر اساسی دهقانان زحمتکش زمین برساند، وظیفه خود را انجام داده است. ۳- دریافت زمین توسط این اقشار وابسته به هیچ قید و شرطی که حق دهقانان بی‌زمین و کم‌زمن را منحوش یا محدود کند نیست. قانون هفتم اسفند برخلاف قوانین طاقتورانه زمان شاه مخلوع بر اساس محروم کردن قشری از دهقانان، بهر بهانه که باشد، متکی نیست.

انتشاء این دست نامرئی می‌نویسد: «فولعه‌هایی در دست است که عدل‌های تحت پوشش اسلام و انقلاب، به اعمالی دست می‌زنند که نمیتوان جز توطئه بدان نامی داد». شناختن عدل‌هایی که زیر پوشش اسلام به این اقدامات تفرقه افکنانه در هم‌آوایی با امپریالیسم دست می‌زنند، کار دشواری نیست. اگر دولت بخواهد، بازداشت همگی آنان به سهولت آب خوردن امکان پذیر است. اما متأسفانه هنوز حتی یک نفر آنان به اتهام حمله و آتش سوزی و سنگ پرتاب و چاقو کشی و قمع‌زنی و ضرب و جرح مردم بازداشت نشده است. و در نتیجه دستهای پخت پرده‌ای که عناصر ضد انقلابی و گروه‌های اوباشی وابسته به آنها را برکت در می‌آورند، همچنان به تحریک و توطئه خود ادامه می‌دهند حتی در مواردی که این سباجان ضد انقلاب، بوسیله افراد دستگیر و تحویل کمیته‌ها شده‌اند، بلافاصله دستبندی آنها را آزاد کرده‌اند.

قانون بسود دهقانان بی زمین و کم برادارد و هر چه زودتر اجرا شود. تکرانی دهقانان شده است. آیا متن مصوب ۸ اسفند تغییر جدی یافته است؟ مسلم آنست که مفاد قانون اصلاحات ارضی باید پاسخگویی نیازمندی‌های کمونی انقلاب و اساسی‌ترین خواستهای دهقانان زحمتکش باشد. دهقانان ایران و جامعه مصرانه می‌طلبند که: ۱- قانون هفتم اسفند کلیه اراضی منابع طبیعی را، که در اختیار دولت است، کلیه اراضی مصادره شده را، که در دست دولت است، کلیه اراضی بایر زمینداران بزرگ را، که مصادره میشود و در اختیار دولت قرار می‌گیرد، بخش مازاد بر حد تصاحب اراضی زیر کشت زمینداران بزرگ را، که آنها هم مصادره میشود، دربر میگیرد. (ملک بزرگ مالکی عبارتست از سه برابر زمین که عرف خرده مالک محل است). ۲- دزدت بزرگ مالکان سابق تنها آن مقدار زمین میتواند باقی بماند که خرده مالکین هر محل دارند. (تفصیح عرف هر محل باید که هفت ۷ نفره است، که دو نفر آنها نماینده شورای ده باید باشند). ۳- اجرای این قانون با پرداخت غرامت یا با خرید و غیره به مالک بزرگ همراه نیست. در قانون همه جا قید شده که این زمینها مصادره میشود، در اختیار و کنترل دولت قرار می‌گیرد. اما خیمتی گفته است: «غالباً اربابان دلبلی بر ملکیت جز سند قلابی و تصرف عدوانی نداشته‌اند و یا آنقدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته‌اند که کشاورز میتواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملک نماید». تصویب نهائی ۲۶ فروردین، که تازه ۱۳ اردیبهشت اعلام شد، باید این خصوصیات را شامل باشد و اگر تغییر بنیادی ضروری انجام نخواهد شد.

ضد انقلاب را... بقیه از صفحه ۱... عدل‌های نشریه‌ها را پاره کرده و با شمار مرگ بر کمونیست در آشفته کردن اوضاع کمک بکنند. عدل‌های قلیل از بیانی شروع به پرتاب سنگ به طرف فدائیان کردند. افراد معدودی همچنان بدست افراد را شناسایی کرده، بیاد کتاب می‌گرفتند. در این جریان تعدادی افراد به دست از اول شروع به تیرگی شده‌اند و تا آخرین لحظه دانه‌ها را در دستان خود نگاه می‌داشتند و با برخورد متقابل کشیدند که این خود قابل تمعق است، باید پرسش شود و آن دست نامرئی!!

ضرورت اجرای قاطع و فوری... تکرانی دهقانان شده است. آیا متن مصوب ۸ اسفند تغییر جدی یافته است؟ مسلم آنست که مفاد قانون اصلاحات ارضی باید پاسخگویی نیازمندی‌های کمونی انقلاب و اساسی‌ترین خواستهای دهقانان زحمتکش باشد. دهقانان ایران و جامعه مصرانه می‌طلبند که: ۱- قانون هفتم اسفند کلیه اراضی منابع طبیعی را، که در اختیار دولت است، کلیه اراضی مصادره شده را، که در دست دولت است، کلیه اراضی بایر زمینداران بزرگ را، که مصادره میشود و در اختیار دولت قرار می‌گیرد، بخش مازاد بر حد تصاحب اراضی زیر کشت زمینداران بزرگ را، که آنها هم مصادره میشود، دربر میگیرد. (ملک بزرگ مالکی عبارتست از سه برابر زمین که عرف خرده مالک محل است). ۲- دزدت بزرگ مالکان سابق تنها آن مقدار زمین میتواند باقی بماند که خرده مالکین هر محل دارند. (تفصیح عرف هر محل باید که هفت ۷ نفره است، که دو نفر آنها نماینده شورای ده باید باشند). ۳- اجرای این قانون با پرداخت غرامت یا با خرید و غیره به مالک بزرگ همراه نیست. در قانون همه جا قید شده که این زمینها مصادره میشود، در اختیار و کنترل دولت قرار می‌گیرد. اما خیمتی گفته است: «غالباً اربابان دلبلی بر ملکیت جز سند قلابی و تصرف عدوانی نداشته‌اند و یا آنقدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته‌اند که کشاورز میتواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملک نماید». تصویب نهائی ۲۶ فروردین، که تازه ۱۳ اردیبهشت اعلام شد، باید این خصوصیات را شامل باشد و اگر تغییر بنیادی ضروری انجام نخواهد شد.

حزب توده ایران و دکتر محمد مصدق نورالدین کیانوری منتشر شد

بمب گذاری در دفتر حزب توده ایران در خرمشهر

در روز ۸ اردیبهشت، در ساعت ۳:۵۰ دقیقه با صدای بمبی در خیابان ابن سینا (خرمشهر) جنب کتابفروشی اتحاد منتهی شد، که متعاقب آن خسارت بسیاری به کتابفروشی و ساختمان دفتر حزب توده ایران وارد آمد. شدت این انفجار به حدی بود که تمام شیشه های مغازه های اطراف شکست و چند مغازه به شدت خسارت دید.

به دنبال این جریان، سپاه پاسداران خرمشهر طی اطلاعیه ای از جارج خود را از اینکه عمل ضد انقلابی اعلام کرد و این اقدامات را در شرایط حساس کنونی به منزله تشدید بحران های داخلی تلقی نمود، که زیانهای جبران ناپذیری به مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران وارد می آورد.

در پایان این اطلاعیه، سپاه پاسداران از کلیه اهالی خرمشهر تقاضا کرده است که چنانچه درباره عواملی که در اینگونه بمب گذاری ها شرکت داشته اند اطلاع دارید، در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر قرار دهند.

همچنین سازمان حزب توده ایران - خرمشهر خرمشهر اعلامیه ای درباره این واقعه با مضمون زیر منتشر کرد:

«از ارگانهای دولتی، سپاه پاسداران و دیگر ارگانهای انقلابی می طلبیم به مبارزه قاطع با این توطئه گران ضد انقلابی بپردازند و اجازه ندهند ضد انقلاب با این توطئه ها انقلاب را تضعیف نماید. باشد تا بدین طریق هر چه بیشتر دست ضد انقلاب کوتاه گردد.»

ما ضمن محکوم کردن این توطئه های ضد انقلابی، از مقامات مسئول دولتی و سپاه پاسداران خرمشهر می طلبیم که با اقدامات قاطع در جهت شناسائی و دستگیری مسببین حادثه اقدام کنند و آنها را به مجازات خود برسانند.

در حال ما همه نیروهای انقلابی و مترقی و همه ارگان های انقلابی را به مبارزه متحد و قاطع با امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب دعوت می کنیم.

امپریالیسم آمریکا، رژیم پشی عراق و عوامل داخلی آنها، که در این اواخر از انقلاب ما ضربه های جدی دیده اند، با تمام قوا در کار توطئه و نفاق آکنی می یابند. باید متحد و یکپارچه، بدون برنامه ای انقلابی به رهبری امام خمینی، انقلاب را به پیروزی نهایی رساند و دست امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، را برای همیشه در ایران کوتاه ساخت.

سازمان حزب توده ایران خرمشهر
۹ اردیبهشت ۵۹

توضیح سازمان حزب توده ایران در زنجان، در رابطه با یک کارت پستال

کارت پستالی محتوی قطعه شعری بنام «دین بهار»، با امضای «کاره گوهرین»، که دارای آرمان حزب توده ایران نیز هست، چاپ و در زنجان پخش گردیده است. سازمان شهری حزب توده ایران در زنجان، ضمن اینکه محتوی شعر را تأیید نمی کند، انتساب این کارت را به حزب توده ایران تکذیب می نماید.

سازمان حزب توده ایران در زنجان
۵۹/۲/۱۳

درنامه «مردم» بزرگان کردی می خوانید:

- ۱- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت جشن اول ماه مه
- ۲- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، تجاوز نظامی امریکه حلقه ای از یک توطئه بزرگ علیه انقلاب ایران، متحد شویم و این توطئه را با شکست قطعی روپروسانیم
- ۳- قسمتهائی از پیام امام خمینی درباره شکست تجاوز نظامی آمریکا به ایران
- ۴- در راه حل سریع و مسالمت آمیز مسئله کردستان با همه نیرو گام برداریم
- ۵- عدم آمادگی حیرت انگیز و تأسف آور در برابر توطئه های آمریکا جهانخواه
- ۶- شکست تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران
- ۷- اتحاد شوروی عمل تجاوز نظامی آمریکا را علیه ایران محکوم کرد.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دازنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۳۵۹-۹۳۵۷۸۸
شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ: کلویان

MARDOM
No. 225
4 May 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 p.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

جمهوری توده ای مغولستان و کامپوچیا تجاوز امریکا علیه ایران را محکوم میکنند

کشورهای سوسیالیستی و تریقیخواه جهان همچنان تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا علیه ایران را با شدت محکوم میکنند. از جمله خبرگزاری مغولستان در بیانیه ای اعلام کرد که جمهوری توده ای مغولستان حمله نظامی امپریالیسم آمریکا به ایران را در زیر یک گداختن آشکار حق حاکمیت و استقلال کشور مستقل ایران میدانند و آنرا قویاً تقبیح میکنند.

در بیانیه اضافه شده است که تجاوز پیشروانه آمریکا نمونه دیگری از سیاست ماجراجویانه و خطرناک است و شکست رسوا آمیز این ماجراجویی، سیاست تجاوزکارانه آمریکا را نشان میدهد.

دولت کامپوچیا نیز در بیانیه ای تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه ایران را در امری آشکار خوانده و حمایت خود را از مبارزه مردم ایران اعلام کرده است.

جمهوری دمکراتیک افغانستان تجاوز نظامی امریکا علیه ایران را محکوم و همبستگی خود را با مردم ایران اعلام کرد

بولتن خبرگزاری باختر افغانستان اعلامیه وزارت خارجه این کشور را در مورد حمله پیشروانه آمریکا به ایران انتشار داده است. سخنگوی وزارت خارجه افغانستان اعلام کرد که دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان و خلق مسلمان این کشور اقدام تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا علیه تمامیت ارضی و حق حاکمیت و استقلال ایران را و علیه یک ملت دوست و برادر را قویاً محکوم میکنند.

خبرگزاری باختر به نقل از بیانیه وزارت خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان میافزاید که اقدام تجاوزکارانه آمریکا بی شبهه تهدیدی برای صلح در منطقه و جهان است و خلق افغانستان با نگرانی فزاینده حوادث ایران را در برابر توابع اعلامیه های جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا پی گیری می کند.

دولت مردم افغانستان ضمن اعلام همبستگی خود با مردم ایران، از این کشور در مبارزه عادلانه کنونی علیه تحریکات و تجاوزات و قیاحه امپریالیسم آمریکا پشتیبانی میکنند.



فیدل کاسترو: کوبا با هر گونه تحریک امریکا مقابله میکند

فیدل کاسترو، رهبر کوبا، در نظریه به مناسبت اول مه ماه، در اشاره به تحریکات امپریالیسم آمریکا در دریای کارائیب، گفت که مردم کوبا از انقلاب و کشور در برابر تجاوز و تحریک آمریکا دفاع میکنند.

کاسترو در اجتماع یک میلیون نفری هاوانا اضافه کرد که کوبا باید با هر نوع تحریک امریکا مقابله کند.

رهبر کوبا ضمن محکوم کردن مانورهای دریایی قریب لوقوع آمریکا در دریای کارائیب گفت که این مانور قسطنطنیه از سیاست تجاوزکارانه آمریکا است و آمریکا، کوبا، نیکاراگوئه، السالوادور و ایران انقلابی را در معرض تهدید قرار داده است.

از سوی دیگر وزیر خارجه کوبا در نامه ای به سازمان ملل اظهار کرد که مانورهای آمریکا در دریای کارائیب صلح و امنیت منطقه را جدلاً به خطر می اندازد.

تفنگداران دریایی امریکا در گواتمالا پیاده شده اند

سخنگوی جبهه دمکراتیک گواتمالا در مصاحبه ای در مرکز سوسی اعلام کرد که عمده ای از تفنگداران دریایی آمریکا در ناحیه ای در گواتمالا پیاده شده اند. این سخنگو گفت که با احتمال زیاد با همکاری رژیم دست نشانده گواتمالا پنج هزار تفنگدار دریایی آمریکایی در این کشور پیاده خواهند شد. بگفته این سخنگو، امپریالیسم آمریکا بدین ترتیب با کمک رژیم های سر بریده در حوزه دریای کارائیب، قصد دارد کوبا و نیکاراگوئه را مورد تهدید قرار دهد و برای سرکوب قیام خلق السالوادور پیش ازین وارد صحنه شود.

بزرگ کارمل: هیچ مسئله ای میان ایران و افغانستان وجود ندارد، که نتوان آنرا از راه مذاکره حل کرد

بزرگ کارمل رهبر افغانستان گفت که این کشور خواهان روابط دوستانه با همه کشورهای منطقه است، کامل تأکید کرد هیچ مسئله ای میان افغانستان با ایران و پاکستان وجود ندارد، که نتوان آنرا از راه مذاکره حل کرد. امپریالیسم و ارتجاع برای عدم حل این مسائل توطئه کرده و مانع ایجاد میکنند.

جشن اول ماه مه، باشکوه فراوان از سوی زحمتمکشان سراسر جهان برگزار شد

در کشورهای سوسیالیستی کارگران ضمن برگزاری راهپیمایی های پرشکوه، این روز را گرامی داشتند و عزم راسخ خود را برای ساختمان صلح آمیز جامعه سوسیالیستی و پیشپانی انکارگران تحت ستم و استثمار کشورهای سرمایه داری اعلام کردند.

در کشورهای سرمایه داری غرب جشن اول ماه مه به فرستی برای بیان خواسته های مردم کارگران تبدیل شد.

کارگران در ژاپن، فرانسه، آلمان فدرال، انگلیس، اسپانیا، آمریکا و غیره خواسته های خود را در زمینه مبارزه با تورم فزاینده و بیکاری، که زحمتمکشان را شدیداً زیر فشار قرار داده است، اعلام کردند و خواستار کاهش بودجه های دولتی و افزایش حقوق شدند.

در آلمان فدرال و آمریکا، کارگران بخاطر افزایش تشنج از سوی این دولت در چند شهر دست به راهپیمایی های اعتراضی زدند و در شیلی، علی رغم منع برگزاری جشن اول مه ماه از سوی داور دسته جنایتکار حاکم بر کشور، کارگران راهپیمایی های بزرگی برپا کردند و بدین ترتیب نشان دادند که برای سرنگون کردن حکومت فاشیستی کشور مبارزه را شدت داده اند.

جشن اول ماه مه امسال برای نخستین بار در نیکاراگوئه، که خود را از یوغ تسلط داور دسته سوموزا نجات داده است، آزادانه و باشکوه خاص برگزار شد.

در زیمبابوه مستقل نیز زحمتمکشان جشن اول ماه مه را آزادانه و در میان شور و شوق فراوان برگزار و اعلام کردند که به مبارزه خود تاشکوفایی کشور ادامه میدهند.

حمله ضد انقلاب به اجتماع زنان و دختران در افغانستان

ضد انقلابیون و تروریست های افغانی که علیه انقلاب افغانستان فعالیت میکنند، ناچار می شوند در پیاده ای موارد به جنایات خود بیاورند (۱) اعتراف کنند، از جمله روزنامه های آمریکایی چند روز پیش به نقل از یک خبرگزاری غربی اعلامیه حزب اسلامی افغانستان را، که در پیشاور منتشر شده، چاپ کردند. در این اعلامیه اعتراف شده که «مجاهدان» در شهر جلال آباد بسوی اجتماع چند هزار نفری از زنان شهر، که به مناسبت جشن های انقلاب جمع شده بودند، تاراجک پرتاب کردند، که در نتیجه بیش از ده تن کشته شدند. این جنایت، یعنی حمله به اجتماع هزاران زن و دختران مقدسی مشتمل کننده بود، که حتی پسردهای از مخالفان انقلاب افغانستان، «تهدیدهای افغانی» به این اقدام اعتراض کردند روزنامه های آمریکایی به نقل از این مجا حل نوشتند که حمله افراد «حزب اسلامی» به اجتماع هزاران زن و دختران اقدامی غیر اسلامی و غیر بشری است.

فدراسیون سندیکائی جهانی تجاوز امریکا علیه ایران را محکوم کرد

یاستورینو، دبیر کل فدراسیون سندیکائی جهانی، زکریا معاون دبیر کل و جلود دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اعراب در بیانیه ای در پایان کنفرانس فوق العاده خود در پراگ اعلام کردند که تهاجم نظامی امریکه علیه کشور دارای حق حاکمیت ایران، نقض بی سابقه و پیشروانه موازین بین المللی است.

در بیانیه آمده است که عملیات تجاوزکارانه آمریکا نشان داد که امپریالیسم آمریکا دشمن خطرناک آزادی و استقلال ملتها و صلح جهانی است. بیانیه میافزاید که این عملیات تجاوزکارانه با معاهده خائنه کمپوید و تبانی امپریالیسم آمریکا با سادات و ارتجاع عرب ارتباط دارد و این عملیات نه تنها علیه مردم ایران، بلکه علیه ملت عرب فلسطین و مردم افغانستان، که علیه مداخلات امپریالیستی و ارتجاعی بیکار میکنند، متوجه است. این عملیات همچنین علیه مردم خلیج فارس، که میخواهند حاکمیت خود را اعمال کنند و با پایکامهای خارجی در خاک خود مخالفت نیز صورت میگیرد.

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و کنفدراسیون اتحادیه های اعراب در این بیانیه همبستگی خود را با مردم ایران در راه تحکیم استقلال و حاکمیت ملی اعلام کردند.

شوخی نیست...

چوب را که...

یک سخنگوی کابینه مصر دست داشتن این کشور در کوشش نافرمان آمریکایی ها برای نجات جان گروگانها در تهران را تکذیب کرد. (جمهوری اسلامی)

از قدیم گفته اند: چوب را که بر میدارند گریه دزد.

واژه نامه امپریالیسم

امپریالیستهای آمریکایی در این روزها چند واژه از فرهنگ امپریالیسم را برای ما دلت بیسوازه معنی کرده اند. آقای جیمی خان، نماینده فملی امپریالیسم آمریکا در کنگره سنفید، در سخنانی چند واژه از واژه نامه امپریالیسم از جمله «انسانی»، «صلح جهانی» و «دکستین از بحران های جهانی» را معنی کردند. ایشان درباره تهاجم نظامی آمریکا به ایران فرماید کرده اند:

«من این تصمیم را از جهت انسانی و نیز برای حفظ منافع آمریکا و صلح جهانی و برای گامی از بحران های جهان گرفتم». در همین رابطه، جودی بول، طوطی کاخ سفید هم چند واژه دیگر از این فرهنگ را معنا کرد و گفت:

«کارتر دستور انجام این عملیات را به دلایل بشردوستانه فقط برای حفظ منافع ملی کشور و کاهش تشنج بین المللی صادر کرده بود.»

دانشگاه کل آمریکا هم معنای «قانونی» را روشن کرد و گفت «این عمل آمریکا قانونی بود.»

تحلیل انقلابی

برای کسانی که توانسته اند اوضاع ایران را تاکنون تحلیل کنند، تحلیل انقلابی زیر را از یک تریچه نامه می آوریم: «خواستهای اساسی انقلاب، پس از گذشت بیش از یکسال از سرنگونی رژیم گذشته، برآورده نشده و بدینسان انقلاب ایران ناقص و ناتمام مانده است... بدینسان هیئت حاکمه کنونی ضد انقلابی است.»

و درست یک خط پائین تر:

«امپریالیسم آمریکا که در جریان انقلاب به منافع مسلط در ایران ضربات جلی وارد آمده است، تلاش می کند تا گامی خفیه را بگذارد.»

اعلام موجودیت «فالانژ» در فومون

به دنبال آتش گرفتن یک کیوبک و یک کتابفروشی در فومون اولین گروه «فالانژ» ایران رسماً اعلام موجودیت کرد و مسئولین این خریداری را بمبده گرفت.

اعلامیه این گروه با مبنای ضد انقلابی آن را در وقتا روشن میکند: «گروه فالانژ مسئولیت آتش سوزیهای اخیر فومون را بمبده می گیرد و فقط از آقایان عزیز میخواهد که این آتش سوزی را به گروه های اسلامی و غیره ... نسبت ندهند. ماهیت این گروه روشن است. ما وابسته به هیچ گروهی نیستیم و نه بخدا اعتقاد داریم و نه به لنین و مارکس و غیره... ما فقط بخودمان ایمان داریم و هر چیزی را که از نظر خودمان بد شناخته شود به مبارزه با آن بر می خیزیم و مبارزه ما پنهانی و به طریق تخریب است.»

خدا پدر اینها را بیامرزد که رگ و راست ضد انقلابیان

یک راه حل

«کیهان» خبر داد که تورم، زندگی در مصر را مشکل کرده است. (۵۹/۲۸)

و رژیم سادات برای اینکه زندگی را برای مردم «آسان کند، جنگنده های میگ ۲۹ از چین خریداری کرده» (همانجا)

پدر و پسر «انقلابی»

در خانه یکی از عوامل ساواک منحله تبریز، هفت نفر سرمایه داران مخالف دولت، که در آنجا مخفی شده بودند، دستگیر شدند. پسر این ساواکی عضو سازمان بیکار بود!

بالاخره پسر باید زندگی «انقلابی» و «مخفی» پدر را ادامه دهد.

دیو!

هاوولد براون، وزیر دفاع آمریکا، طی یک مصاحبه پس از تجاوز نظامی آمریکا به ایران، گفته است:

«آمریکا خواهان وجود یک ایران یکپارچه و نیرومند با ثبات است، ایرانی که دارای رژیم اسلامی باشد و بی طرف باشد.»

از قدیم گفته اند که برای درک سخنان دیوانه ها، باید آنرا کلمه به کلمه وارونه کرد. امتحان کنید!

حیف!

هاوولد براون وزیر دفاع آمریکا گفته است:

«به عرض نمایش گذاشتن اجساد سوخته افراد گروه تهاجم آمریکا در سفارت آمریکا در تهران، یک عمل زشت و مغایر هر گونه انسانیت است.»

از طرفی سخنان آقای براون یک قدری، راستش ما خیر مایل بودیم زنده ها، مثلاً خود آقای براون یا کارتر و یا برژنفسکی ... را بعنوان وحشی ترین حیوانات تاریخ به نمایش بگذاریم، همگان را به شگفتی واداریم. قدم پیش بگذارید آقای براون!

جبران اشتباه به سبک امریکائی

یادتان هست که کارتر چندین پیش در نامه های پرسوز، کدازی به امام خمینی و رئیس جمهور، اعتراف کرد که مرتکب اشتباهاتی شده است و قول داد که دیگر از این اشتباه مرتکب نشود و نسبت از غارتگریها و جنایاتش بکشد.

جناب ایشان بعد از دریافت جواب قاطع و دندان شکن رهبر انقلاب ایران، تصمیم گرفتند برای نشان دادن حسن نیت و مصداقتشان در مورد قولهای که داده بودند، یک اقدام عمل بنمایند. برای همین منظور پس از شور و غوغای زیاد با فاسان دوستان و «مطرفداران حقوق بشر» و سازمان «بشردوست» دستکار شدند: تجاوز نظامی به ایران!

خیلی پرروئی میخواهد اگر باز هم بگویند اشتباه کرده است.